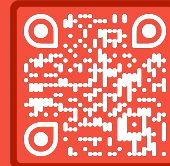


نشریه کنگره ۱۱



برای دریافت الکترونیکی اسناد کنگره، کد را با موبایل اسکن کنید

سردبیر: سیوان کریمی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۶-۷ فروردین ۱۴۰۴

11th congress of Worker-communist party of Iran-Hekmatist

29-30 March 2025

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

پیش نویس آئین نامه
کنگره یازدهم حزب
کمونیست کارگری -

حکمتیست ۲

قطعنامه اوضاع سیاسی
پیشنهاد به کنگره
یازدهم حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست

دورنمای سرنگونی و
انقلاب کارگری در ایران،
اوضاع ملتهب جامعه و
سیاست کمونیستی
کارگری در باره قدرت
سیاسی ۳

بیانیه پیشنهادی کنگره
یازدهم حزب کمونیست
کارگری ایران -

حکمتیست
آینده جهان، خطر
فاشیسم و مبرمیت
انقلاب کارگری ۷

متن اولیه سند پیشنهادی
به کنگره یازدهم حزب
حکمتیست

جامعه ایران در آستانه
تحولات مهم: جهت گیری و
اولویتهای حزب حکمتیست

۱۴

پیام کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به جنبش کارگری ایران

۱۶

طبقه کارگر برای آزادی باید قدرت سیاسی را بکف آورد

پیام کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به جنبش آزادی زن

۱۸

برای سرنگونی نظام آپارتاید جنسی، بسوی یک برابری سوسیالیستی!

پیام کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست به زندانیان سیاسی

۲۰

زندان؛ دژ ارتجاع و قتل عمد دولتی، سنگر مقاومت و "نه به اعدام"!

اطلاعیه

پخش مستقیم
کنگره یازدهم
حزب کمونیست
کارگری ایران -
حکمتیست

۲۰

قرار پیشنهادی به کنگره ۱۱
حزب کمونیست کارگری
ایران - حکمتیست

۲۱

در حمایت از اعتراضات
دانشجویی برای تقویت
سازماندهی دانشجویان
رادیکال و سوسیالیست

قرار پیشنهادی به کنگره ۱۱
حزب کمونیست کارگری ایران
حکمتیست -

۲۱

قرار در مورد تغییر نام حزب با
حذف پسوند حکمتیست از اسم
حزب کمونیست کارگری ایران -
حکمتیست

(تصویب استثناء بر این قاعده تنها با رای نصف بعلاوه یک نمایندگان کنگره مجاز است).

پیش نویس آئین نامه کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۰- ترتیب جلسات

الف: شروع و اعلام رسمیت کنگره:

مارش انترناسیونال، سکوت به احترام جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم.

پخش کلیپ اول از اعتراضات اخیر.

سخنرانی افتتاحیه

تصویب اعتبارنامه نمایندگان

تصویب آئین نامه کنگره

ب- بررسی و تصویب دستورهای کنگره (گزارش - اسناد رسیده کتبی، بیانیه، قطعنامه، قرارها و انتخابات ک م).

- معرفی هیئت رئیسه دائم روز اول و شروع به کار آنها. پایان کار هیات رئیسه موقت.

- پیامها - از سازمانها و احزاب به ترتیب الفبا. هر پیام ۵ دقیقه. زمان به احزاب و سازمانها ابلاغ شود.

- ورود به دستورهای کنگره. تعیین زمانبندی جلسات کنگره.

- پخش کلیپ حداکثر شش الی ۸ دقیقه ای در آغاز جلسه بعد از نهار و شروع جلسه صبح یکشنبه.

۱۱- گزارشات به رای گذاشته نمیشود. زمان گزارش برای ارائه کنندگان طبق توافق جلسه قبلی: رئیس دفتر سیاسی ۲۰ دقیقه، مسئولان کمیته های حزب ۷ دقیقه برای تاکید و توضیح نکاتی که لازم میدانند. ک س، ک ک، ک خ. ستاد تبلیغات و تی وی. مجموعاً کمتر از یکساعت برای ارائه گزارش و مابقی وقت برای رفقای حاضر که اساساً در بخش گزارش میتوانند صحبت کنند. زمان براساس کل وقت مربوط به گزارش میان سخنرانان تقسیم میشود. پس از اظهار نظر سخنرانان مختلف، یک نوبت کوتاه نهایی برای توضیح یا پاسخ به سوالات مطرح شده در مورد جوانب مورد بحث گزارشات به ارائه کنندگان داده میشود. چنانچه سوالی نبود از این نوبت صرف نظر می کنیم.

۱۲- در پایان هر اجلاس (صبح یا عصر) نیم ساعت برای اظهار نظر میهمانان و ناظرین وقت داده میشود.

مارس ۲۰۲۵

هیئت رئیسه موقت

۱- هیئت رئیسه موقت کنگره بعهدده رئیس دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی است و کارشان را تا تصویب دستور جلسه رسمی کنگره ادامه میدهند. در این فاصله سخنرانی افتتاحیه، تصویب اعتبارنامه نمایندگان، تصویب آئین نامه کنگره و تعیین هیئت رئیسه دائم کنگره ادامه دارد.

معرفی هیات رئیسه دائم کنگره

۲- هیات رئیسه دائم کنگره از طرف دبیر کمیته مرکزی و رئیس دفتر سیاسی، بر اساس توانائی در اداره جلسات به کنگره معرفی خواهند شد. در هر اجلاس یک نفر از هیات رئیسه، ریاست کنگره را برعهده خواهد داشت.

۳- تمام تصمیمات با اکثریت نسبی آراء نمایندگان تصویب میشود.

۴- رای گیری در کنگره، بجز در انتخابات کمیته مرکزی، علنی است. شمارش دقیق آراء در رای گیریهای علنی در مواقعی که تفاوت رای های موافق و مخالف عیان است ضروری نیست. در صورت نزدیک بودن رای های مخالف و موافق، به تصمیم هیئت رئیسه و یا با پیشنهاد ۲ نفر از نمایندگان آراء مجدداً شمرده میشود.

۵- در طرح هر قطعنامه و قرار و پیشنهادی، موافق و مخالف به تعداد مساوی صحبت میکنند. ارائه دهندگان هر قطعنامه مرکب (مبحث اصلی) یک نوبت در پایان بحث برای جمع بندی مبحث خواهند داشت. ارائه دهندگان قطعنامه های ساده و قرارها نوبت جمع بندی نخواهند داشت.

۶- مباحث اصلی دو ارائه کننده خواهد داشت و مجموعاً ۴۰ درصد کل وقت را دارند و مابقی زمان به سالن اختصاص دارد. سخنرانان در سالن وقت می گیرند.

۷- از میان کسانی که نوبت گرفته اند، در صورتی که به هرکس کمتر از ۵ دقیقه وقت برسد، سخنرانان به تعداد لازم به قید قرعه تعیین میشوند.

۸- کفایت مذاکرات به پیشنهاد هیات رئیسه و یا دو نفر از نمایندگان به رای گذاشته میشود.

۹- کنگره تنها به مباحث و پیشنهادهای میپردازد که از قبل بطور کتبی در اختیار کنگره قرار داده شده باشند و کنگره ورود آنها را به دستور تصویب کرده باشد. هیچ قرار و طرح قطعنامه جدیدی در کنگره دریافت نمیشود و به رای گذاشته نمیشود.

را تاکتیکیهای همراهی و سیر رو به پیش سراسری شدن اعتراضات گرفت. مبارزه ضد رژیم صرف جایش را به نقد وضع موجود داد. این تحولی ماهیتاً رادیکال است که در عین حال روندی موثر در جهت تأمین سازمان و رهبری در جنبش توده ای در شرایط اختناق است.

۳- میان اعتراضات و تحولات وسیع در جامعه، دو جنبش نقش کلیدی و محوری و تعیین کننده داشته اند: جنبش طبقه کارگر علیه فقر و مشقات نظم موجود و جنبش برابری زن و مرد علیه اسلام و قوانین حکومت آپارتاید و سبیل و بیرق آن حجاب اسلامی. این دو جنبش که بالقوه ارکان اساسی یک حرکت عظیم سوسیالیستی اند، بمثابة موتور محرکه کلیه اعتراضات آزادیخواهانه و برابری طلبانه و دو قلمرو اساسی نبرد طبقاتی عمل کرده اند. انقلاب در ایران روی دوش این دو قطب مبارزه اجتماعی نُضج میگیرد و کشمکش طبقاتی و تقابل جنبشها و احزاب سیاسی متمایز نیز حول مسائل اساسی همین جنبشها شکل خواهد گرفت. راست و چپ در مقیاس جامعه نیز اساساً حول این دو محور قطبی خواهد شد و مشخصات اساسی جنبش توده ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی نیز سیمای عمومی خود را از این دو جنبش و کشمکش پایه ای در جامعه استنتاج میکند.

۴- سیمای جنبش طبقه کارگر امروز محدود به طرح خواستههای رفاهی است اما سرعت به موتور محرکه تحول انقلابی بدل میشود. این مشخصه سرمایه داری در کشورهای تحت سلطه و اختناق زده است که کارگری که مبارزه علنی و رودررو دارد، تحرک و شعارهایش تابعی از تناسب قوا است. جنبش کارگری دارای صفی قدرتمند از رهبران محلی و منطقه ای و سراسری با سنتهای مبارزاتی ریشه دار است. مکانیسم ایجاد سازمان و رهبری این جنبش نیز همین اعتراضات جاری است که با ایجاد تناسب قوای مساعدتر اشکال مرکب تری از سازمان و رهبری را بدست میدهد. سنت و جنبش شورائی - کارگری در دل این مبارزات و با اتکا به مجمع عمومی هر روز قوام می یابد. اعتصابات پرشور و گسترده کارگران نفت و گاز، صنایع فلزی، کارگران بخشهای خدماتی، پرستاران، فرهنگیان، بازنشستگان، اعتراضات حاشیه نشینان، نوک کوه یخ قدرت اجتماعی طبقه کارگر را منعکس میکنند. خصلت ویژه این اعتراضات شکستن مرتب تناسب قوا و ترسیم افق و شعارهای طبقه است. طی یکدهه گذشته، اعتصابات کارگری موتور محرکه عروج خیزشهای توده ای و بمیدان آوردن بخشهای گسترده تر جنبش طبقه کارگر بوده است.

۵- جنبش آزادی و برابری زن و مرد، خیزش انقلابی زنانه ۱۴۰۱، مهمترین رویداد در سیاست کشورهای اسلام زده است.

قطعنامه اوضاع سیاسی پیشنهاد به کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

دورنمای سرنگونی و انقلاب کارگری در ایران

اوضاع ملتهب جامعه و سیاست کمونیستی

کارگری در باره قدرت سیاسی

۱- اوضاع جامعه ایران ناپایدار و آستان تغییر است. سرمایه داری ایران در بحرانهای حاد شده اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، ایدئولوژیکی و محیط زیستی دست و پا میزند. وخامت اوضاع در قلمروهای مختلف بحدی است که دیگر "تشدید بحران" به تنهایی برای توضیح شرایط حاضر کفایت نمیکند. جامعه ایران از جهات مختلف در آستانه یک سقوط و فروپاشی است: فلاکت بیسابقه، فقر مزمن و گرسنگی، اقتصاد و سیستم مالی و بانکی ورشکسته، فساد و ارتشای بی حد و حصر در تمام سطوح، جنایت سازمانیافته حکومتی بمثابة قانون، تبدیل سیاست به هنر آدمکشی و اشاعه دروغ، ورشکستگی تمام عیار ایدئولوژیکی، موج برگشت ضد اسلامی در جامعه، عدم مشروعیت همه جانبه، شکسته شدن دیوار اختناق و کارکردهای کلاسیک ماشین سرکوب، مردمی که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند، تعمیق انتقاد رادیکال از اوضاع و ناامیدی به هر نوع بهبود در چهارچوبهای قانونی و سیستمی، بی اعتمادی مفرط حاکمان به بقای خویش، تلنبار خشم و پتانسیل اعتراض در جامعه؛ شرایطی که تنها یک عمل رادیکال و بنیان کن معنای تسلی عام آنست. ایران بیش از هر زمان و بیش از هر نقطه جهان آستان انقلاب است.

۲- اوضاع کنونی حاصل ضربات برآمدهای توده ای و کارگری و ورود جامعه ایران به یکدوره انقلابی است. خیزش توده ای ۱۴۰۱ بنا به محدودیتهای خود نتوانست به انقلابی زیر و رو کننده منجر شود اما آن نبرد شورانگیز جامعه را وارد یک تحول برگشت ناپذیر کرد. کاراکتر اجتماعی آن خیزش انقلابی که اساساً علیه تبعیض و نابرابری و حکومت فقر و فساد بود، خیزش منکوب شدگان و نسل جدید زنان و مردانی بود که دیگر سلطه ننگین ارتجاع اسلامی و استبداد پلیسی سرمایه را نمی پذیرند. سرکوب خونین و دولتهای اعدام و اعمال فقر و فاقه، نتوانست عزم جامعه برای تغییر را درهم شکند. مقاومت و گردن نگذاشتن، تعرض انقلابی و گسترش مبارزه کارگری، رژیم را فرسوده تر و جامعه را آبدیده تر کرد. بجای حرکتهای کور و پوپولیستی، اعتراضات جنبشی با افق رفاه و شعارهای روشن قوام یافت، جای بی سازمانی و سرکوب هر عمل متحد

تلاش میکنند. دست بدست کردن قدرت سیاسی هدف کلیدی بورژوازی در دوره بحران است.

۷- رژیم اسلامی پوسیده و گندیده است. حکومت و جناحهای متفرقه اش جملگی امتحان پس داده اند و در اوضاع حاضر کارتی برای بازی در آستین ندارند. نه اصلاح طلبی حکومتی محلی از اعراب دارد، نه سازش موقت و عقب نشینی راه به تمکین کشاندن مردم است، نه سازش و بند و بست با غرب و شرق محمل یک گشایش سیاسی و اقتصادی است، نه از سیاست تنش منطقه ای و انتقال بحران اثری باقی مانده است و نه سیاست گفتاردرمانی توان کنترل انفجار محتوم را دارد. بن بست حکومتی همه جانبه و لاعلاج است؛ یافتن راهی برای نجات نظم و اعاده نظم به تنها پلاتفرم بورژوازی حکومتی و بیرون حکومتی بدل شده است. تغییر در بالا و پائین، هردو، ضروری و حتی اجتناب ناپذیر شده است.

۸- صورت مسئله اساسی جدال جاری در ایران برسر قدرت سیاسی و تعیین سیمای نظام آتی است. جدال چپ و راست در مقیاس جامعه خود را در جنگ آلترناتیوها منعکس میکند. آلترناتیو بورژوازی، مستقل از مختصات و قالبی که بخود میگیرد، آلترناتیوی برای اعاده نظم کهنه و بازسازی قدرت ضد انقلابی بورژوازی است. آلترناتیو کارگری، مستقل از اشکالی که میتواند در دوره انقلابی بخود بگیرد، آلترناتیوی علیه نظم کهنه و استقرار یک نظم نوین کارگری و سوسیالیستی است. مسئله رهبری در دوره انقلابی یک موضوع کلیدی است اما مشکل امروز جامعه ایران پیدا کردن یک رهبر کاریسماستیک نیست، بلکه سرنگونی با پرچم چپ یا پرچم راست و لاجرم انتخاب این یا آن افق سیاسی در مقیاس جامعه است. برخلاف دوره های پیشین اینبار طبقات و جنبشهای طبقاتی با راه حل‌های متمایز مقابل هم صف آرایی کرده اند. دو افق، دو آینده، دو جنبش، جنبش راست و بورژوائی یا جنبش طبقه کارگر و کمونیسم، نیروهای اصلی و تعیین کننده سیاسی اند. جدال جاری در ایران برسر اعاده وضع موجود و بازسازی کاپیتالیسم یا انقلاب علیه نظم استبداد و استثمار و تبعیض سرمایه داری است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بمثابة یک نیروی معرفه جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، حزب انقلاب کارگری، حزبی ضد مذهبی و ضد اسلامی، حزب نماینده آمال و آرزوهای دهها میلیون زن و مرد و نسل جدید است. حزب حکمتیست در تحولات جاری برای بمیدان کشیدن طبقه کارگر و اردوی

در ایران زنان یک آکتور اجتماعی و پیشتاز هر تحول سیاسی اند. در کمتر حرکت انقلابی قرن بیستم زنان اینگونه در قامت رهبر و در مقیاس توده ای ظاهر شده اند. برگرفتن دستجمعی حجاب اسلامی و به آتش کشیدن این بیرق بردگی زن، آغاز تلاشی برای درهم کوبیدن جنبش تروریستی اسلام سیاسی در ایران، حرکتی پیشروتر و سیاسی تر از جنبشهای حقوق زن در اروپا و آمریکا در دهه های اخیر است. هدف بلافصل خیزش عظیم و توده ای انقلابی زنان و مردان سرنگونی رژیم اسلامی و نظام آپارتاید جنسی و قوانین مترتب برآنست اما به این محدود نخواهد شد. جنبش آزادی زن در ایران یک ستون عظیم حرکت کارگری و سوسیالیستی است که برای یک رهائی همه جانبه ناگزیر است کل بنیادهای ارتجاع و استبداد، کل ارکانهای ستم و تبعیض و نابرابری را درهم بکوبد.

۶- بورژوازی ایران از حکومتی تا اپوزیسیونی، تلاش دارد حرکت انقلابی را عقیم و به شکست بکشاند. حکومتی که دیگر با زدن و بستن و ممنوعیت قابل دوام نیست، بناگزیر به دیگر نیروهای طبقه اش متکی میشود. با شکست افق سیاسی جناحهای اسلامی حکومت، ناسیونالیسم و فاشیسم و قومیگری میدان فراخ تری می یابد. وقتی بورژوازی به روشهای قدیم نمیتواند صفوف انقلاب و مبارزه ضد سرمایه داری را منکوب کند، راساً سرنگونی طلب و حتی "انقلابی" میشود، برای ایجاد انشقاق در صفوف مبارزه انقلابی و مصون داشتن ارکانهای نظم کهنه، "طرفدار حقوق زن و حقوق کارگر و امر آزادی" میشود. جناحهای مختلف بورژوازی امر رهائی و آزادی را به دمکراسی و پارلمانتاریسم و فدرالیسم و انتخابات آزاد فرومیکنند، نقد اجتماعی کارگر و کمونیسم به نظم موجود را به نقد مدیریت و احیای تخصص و ایجاد کار و برسمیت شناسی فرمال حقوق بدیهی کارگر تنزل میدهند، با زنان علیه حجاب و جداسازی جنسیتی هم آوا میشوند اما از برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد استنکاف میکنند، از سوئی بر طبل شوونیسم و فاشیسم ذاتی نظم موجود می کوبند و از سوئی از تقسیم قدرت میان ناسیونالیستها و فدرالیسم و عدم تمرکز سخن میگویند، بورژوازی سیاست هویتی قومی مذهبی را جای هویت انسانی و طبقاتی و جهانشمول میگذارند. بورژوازی در دوره انقلابی از مصادره شعار و اهداف انقلابی ابائی ندارد اما برای کسب قدرت به روشهای کلاسیک انتقال قدرت از بالا، اشکال کودتائی و "رژیم چنجی"، ممانعت از دخالت شهروند و کارگر از سیاست متکی میشود. جنبشهای متفرقه بورژوائی در دوره انقلابی برای احیای نظم و بازسازی دولت ضد انقلابی

به تغییر و گسترش مبارزات فرجه را برای امکان سناریوی سیاه ضعیف کرده است. مشخصه اساسی یک سناریوی سیاه، سلطه عنصر استیصال عمومی در جامعه است. بطور ابژکتیو چنین مشاهده‌ای وجود ندارد. درعین حال، چه بازماندگان از رژیم اسلامی بعد از فروپاشی و سرنگونی و چه نیروهای دست راستی و فرقه‌ای فاشیست و قومی و مذهبی و حمایت‌شان از میلیتاریسم و خانخانی نظامی، مخاطره مهمی است که هنوز جامعه مصونیت کامل در مقابل آن ندارد. سناریوی سیاه اولین امکان و افق پیش روی جامعه نیست، اما بعنوان یک مخاطره در دوره سرنگونی باید در محاسبات سیاسی و تاکتیکی بطور جدی جا داشته باشد. حتی تضعیف رژیم اسلامی و از دست دادن کنترل آن در مقیاس کشور، به تحرک دولتهای منطقه از جمله ترکیه و قطر و پاکستان و تسلیح نیروهای قومی و سلفی میدان میدهد. حزب باید مخاطرات دوره سرنگونی را حتی در شرایط کاملاً انقلابی مد نظر داشته باشد و برای مواجهه با آن در جامعه مصونیت ایجاد کند.

تغییر در درون رژیم: امکان تغییر در آرایش رژیم و اشکال استحاله و کودتائی بخشهائی از حکومت برای یکپارچه کردن قدرت و معامله با غرب برای نجات نظام و یا بدست دادن ترکیبی برای دولت انتقالی از احتمالات قویتر است که تحت فشار مبارزه در پائین و تشدید بحران حکومتی در بالا جلو صحنه می آید. ترکیبی از بدنه حکومت و حاشیه حکومت و اپوزیسیون بورژوازی که ضمن حذف یا کنار زدن لایه ای از مقامات هم سیمای "تغییر" را بدهد و هم فشار جامعه را "کنترل" کند. پیروزی و دوام چنین پروژه ای در ابهام جدی قرار دارد. هر عقب نشینی حکومت به تعرض و پیشروی جامعه ترجمه میشود. این شکلی از دولتهائی است که در دوره انقلاب ۵۷ آمدند و رفتند و عمر کوتاهی داشتند.

تداوم روند انقلابی: محتمل ترین روند در ایران امروز برآمدهای مجدد توده ای و کارگری در اشکال پخته تر و رادیکال تری از تجارب تاکنونی است. آنچه در افق است سرنگونی انقلابی و پتانسیل عظیم انقلاب کارگری است. حزب باید برای این روند و گرفتن ابتکار عمل توسط جنبش طبقه کارگر خود را آماده کند و سیاست و تاکتیکهایش را اساساً حول این سناریو بچیند و تبیین کند. در ایران عنصر قهر انقلابی بیش از پیش جا پیدا کرده و با استقبال مواجه میشود. حزب حکمتیست باید مظهر و نماینده این قهر انقلابی برای درهم شکستن قهر ضد انقلابی بورژوازی باشد.

یک روند ترکیبی تحت شرایط خاص: یک احتمال هم اینست که تناسب قوای سیاسی میان نیروهای درگیر بگونه ای باشد که تفوق نسبی یک جنبش معین را تضمین نکند و نوعی

آزادیخواهی و برابری طلبی، برای درهم کوبیدن کلیت جمهوری اسلامی و نظم کاپیتالیستی، برای کسب قدرت سیاسی و استقرار یک حکومت کارگری در ایران مبارزه میکند. یک شرط پیروزی اینست که جنبش طبقه کارگر سازمانیافته تحت پرچم سوسیالیستی اش در این کشمکش حضور یابد. برای ایجاد هر تغییر برآستی انقلابی باید بدو از قدرت حاکم خلع ید کرد و قدرت سیاسی را بکف آورد. نبرد اساسی تازه بعد از سرنگونی برای تعیین تکلیف آینده آغاز میشود. حزب برای بسیج و سازماندهی نیروی پیروزی انقلاب کارگری و کمونیسم در ایران تلاش میکند.

کدام سناریوها محتمل اند، حزب برای چه سناریوئی باید آماده باشد؟

رژیم چینج و حمله نظامی: قدرنگیری ترامپ به امیدواری اپوزیسیون بورژوائی ایران (سلطنت طلبان، مجاهدین، ناسیونالیسم قومی) برای تغییر رژیم افزوده است. سیاست هیئت حاکمه آمریکا در قبال جمهوری اسلامی با ترامپ تغییر ماهوی نمیکند اما با تغییراتی از جمله اعمال فشار اقتصادی و تنگناهای بیشتر مواجه میکند. تشدید تحریمها بعنوان اعمال فشار برای مذاکره و معامله در دستور است. سیاست سازش و معامله با ج ۱ در دوره ترامپ بیشتر از دوره دمکراتها است و تلاش برای مذاکره از هر دو سو و رسیدن به توافقی در جریان است. دو فاکتور مهم برای مذاکره و توافق، تمایل و فشار فراکسیون پروغربی در حکومت ایران از اصلاح طلب تا طیفهای مختلف درون و حاشیه و بیرون حکومت است. این طیف گسترده است و در ایندوره یک آپشن رژیم برای وقت خریدن است. فاکتور دیگر اینست که ایران با لیبی و افغانستان و سوریه تفاوت دارد. در ایران یک طبقه اجتماعی قوی به نام بورژوازی داخلی به مدد جمهوری اسلامی شکل گرفته که زمان پهلوی هم نبود. این بورژوازی در مقابل مطلق العنانی سیستم مقاومت و رژیم را وادار میکند پای میز مذاکره بنشیند. سیاست این بخش در مقابل سیاست فراکسیون پروشرق بورژوازی اسلامی است که هنوز تلاش دارد در همین سیستم کارش را راه بیاندازد. ممانعت از دسترسی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی سیاست قدیمی تر آمریکا و دول غربی است و در صورت شکست مذاکرات، تحریمها تشدید میشود و امکان حمله نظامی مشترک اسرائیل و آمریکا به سایتهای اتمی و تعدادی از زیرساختهای اقتصادی وجود دارد. اما هدف چنین اقدامی تغییر رژیم و سرنگونی نیست بلکه تضعیف شدید توان رژیم و تسهیل سیاست مهار و تسلیم آنست.

سناریوی سیاه: عواملی واقعی در جامعه امکان مساعد یا نامساعد برای سناریوی سیاه هستند. از جمله امیدواری مردم

پ- استقرار قدرت حزبی و کارگری هر جا و به هر درجه ممکن؛ در کارخانه ها و مراکز کار، در شهرها و محیط زندگی، با اتکا به شوراهای مسلح، بریگادهای کارگری، نیروی نظامی حزب.

ت- علیه بند و بست نیروهای راست از بالای سر مردم. نه قاطع به آلترناتیو بورژوازی. علیه خاکیزهای بورژوازی در دوران گذار مانند "مجلس موسسان" و "مجلس ملی". خط نه به پارلمان، برای حاکمیت شوراها.

ث- درهم شکستن نقطه سازشهایی که در سیر مبارزه مردم طرح میشوند. تقابل بیوقفه با ناسیونالیسم و ملی گرایی، با پوپولیسم و اپورتونیسیم، علیه سیاست ارتجاعی "همه باهم" و "آشتی طبقاتی".

ج- سیاست سرنگونی هر دولت بورژوازی تا درهم کوبیدن کامل ماشین دولتی و ارکان قدرت بورژوازی.

چ- تسلیح عمومی کارگران و اردوی انقلاب برای دفاع از دستاوردهای مبارزه انقلابی. ایجاد سازمانهای دفاع از خود بمثابة ستون فقرات میلیس توده ای.

ح- شکل دادن به دولت برآمده از قیام بمثابة دولت قیام کنندگان، استفاده از ابزار دولت برای بسط مبارزه طبقاتی و بسیج طبقه کارگر برای تداوم انقلاب و سازماندهی انقلاب کارگری.

هیچ زمانی مانند امروز جامعه ایران دچار گسست طبقاتی و لاجرم تنش تند طبقاتی نبوده است. هیچ زمانی مانند امروز جنبش کارگری در سیاست ایران و روندهای اعتراضی قدرتمند نبوده است. هیچ زمان مانند امروز در کشورهای نوع ایران انقلاب کارگری بعنوان راه حل و امری ضروری و مبرم در افق نبوده است. کارگر برای پیروزی در این تحولات ناچار است بمثابة نماینده تمام آزادی، نماینده تمام برابری، نماینده تمام رهائی ظاهر شود. اما طبقه کارگر بدون درهم کوبیدن کل نهادها و قدرت بورژوازی نمیتواند بمثابة یک طبقه آزاد شود و برای آزادی بعنوان یک طبقه لازم است کل جامعه را از قید بردگی مزدی و مالکیت خصوصی و استثمار اقتصادی آزاد کند. این امر تنها با کمونیسم کارگری ممکن است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست نماینده پرشور این کمونیسم است.

کنگره یازدهم حزب، رهبران کمونیست طبقه کارگر و کارگران مبارز، زنان جسور و انقلابی و سوسیالیست ها را به اتحاد تحت پرچم کمونیستی حزب فرامیخواند. پیش بسوی انقلاب کارگری و سوسیالیستی! پیش بسوی استقرار اولین حکومت کارگری در قرن بیست و یکم در ایران!

پیشنهاد دهنده: سیاوش دانشور
ژانویه ۲۰۲۵

قدرت چندگانه شکل گیرد. در این حالت امکان یک روند ترکیبی بدرجات مختلف وجود دارد. یعنی احتمالاتی که برشمردیم میتوانند در یک تلاقی امکان وقوع داشته باشند. این دقیقاً وضعیتی است که قدرت مرکزی رژیم بر اداره کشور سست میشود. در چنین اوضاعی کشورهای منطقه بویژه ترکیه و قطر و پاکستان بنا به سابقه و منافعشان به تسلیح اسلام سلفی و قومگیری میدان دهند. همینطور بورژوازی پرو غرب در داخل برای جلوگیری از نابودیش، وارد سازش تمام عیار با غرب بشود. امری که در چنین شرایطی حمایت حکومتی ها و جناحهای متفرقه سرمایه را خواهد داشت. همزمان جنبش انقلابی و نیروهای رادیکال از این فضای خلأ قدرت استفاده کنند و به هر درجه ای که میتواند قدرت خود را مستقر کنند. یعنی در یک فضای بی شکلی و خلأ قدرت امکان وقوع سناریوهای مختلفی در ابعاد متفاوت وجود دارد. اینکه کدام دست بالا را پیدا میکند، دقیقاً تابعی از دخالتگری و آمادگی اردوی انقلابی و رادیکال جامعه است. در خلأ قدرت سیاسی، عاملیت و قدرت پائین دستش جلوی ساختار حاکم بازتر میشود و میل تغییر در چنین شرایطی سهل تر میتواند ماشین سرکوب را زمین زند.

خط مشی تاکتیکی و چه باید کرد حزب در دوره کنونی

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست استراتژی و خط مشی تاکتیکی خود را حول دو ستون اساسی پایه ریزی میکند: اول، قدرتمند کردن حزب با هدف حضور مستقل در صحنه سیاسی بمثابة پرچمدار کمونیسم کارگری در ایران در جدال برسر قدرت سیاسی.

دوم، همکاری با اردوی سوسیالیست برای تقویت جناح چپ جامعه با هدف سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و منزوی کردن جناح راست جامعه و راه حلهای آن.

این دو ستون مجموعه ای از استنتاجات و اقدامات سیاسی، عملی، حزبی و تشکیلاتی در مقابل ما میگذارد که رهبری منتخب حزب باید به آنها بطور مشخص جواب دهد و بخشاً در سند اولویتهای حزب به سرخط آنها اشاره شده است.

در قلمرو تاکتیکی خطوط زیر ناظر بر سیاست حزب در دوره انقلابی اند:

الف- نمایندگی استقلال سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر و اردوی سوسیالیست ها از جنبشها و صفوف بورژوازی.

ب- جدال برسر انتخاب سوسیالیسم و افق انقلابی در جامعه. ظاهر شدن بمثابة قدرت آلترناتیو و کابینه کارگری.

بیانیه پیشنهادی کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران -

حکمتیست

آینده جهان، خطر فاشیسم و مبرمیت انقلاب کارگری

است. نظام سرمایه داری و اصل اصالت سود کل محیط زیست را با خطرات جدی و لطمات جبران ناپذیری روبرو ساخته است. به این ترتیب بربریت کاپیتالیستی را همین امروز بشریت در سراسر جهان با گوشت و پوست و با تلخی تجربه میکند. به طور خلاصه مابه ازاء مشقات سرمایه داری عصر حاضر، در دو قلمرو اساسی مورد تأکید زیر آینده بسیار هولناکی را پیشاروی کل مردم جهان گرفته است.

الف: در قلمرو مناسبات کار و سرمایه: افزایش مشقات ناشی از استثمار شدید طبقه کارگر توسط سرمایه، تعمیق حاد شکاف طبقاتی و فاصله سرسام آور و بیسابقه فقر و ثروت، به نحوی که در هیچ دوره ای از تاریخ نظم سرمایه داری، شدت استثمار کارگر به معنای کسب ارزش اضافه اینچنین شدید نبوده است. در هیچ دوره ای گرفتن سهم کمتر کارگر و مزدبگیران از حاصل کار خود اینچنین پایین نبوده است. تحولات اقتصادی تعیین کننده، دگرگونیهای عظیم ناشی از افزایش بارآوری کار، جهش بزرگ دستاوردهای بی نظیر تکنولوژیک، انفورماتیک و هوش مصنوعی به رفاه و سعادت و زندگی بهتر برای طبقه کارگر جهانی و مزدبگیران تبدیل نشده است. برعکس انقلاب تکنولوژیک نه فقط بر مذهبیت اقتصادی کارگر در برابر سرمایه افزوده است، بلکه اشکال نوینی برای حفظ اقتدار سیاسی بورژوازی فراهم ساخته است. به اسارت بیشتر میلیاردها انسان کارکن در زرق تکنولوژی و هوش مصنوعی به اوج گیری فقر و بیکاری و تبعیض، عدم تأمین اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و تباهی فیزیکی طبقه کارگر و مزدبگیران منجر شده است.

ب: در قلمرو رقابت و کشمکش پرمخاطره قدرتهای بزرگ کاپیتالیستی: تشدید رقابت مخرب اقتصادی و سیاسی و حتی نظامی قطبهای عمده کاپیتالیستی و امپریالیستی، آن هم در بطن "بی نظمی جهانی" ناشی از زیر سؤال رفتن ساختارهای اقتصادی، سیاسی و ژئوپولیتیک کاپیتالیستی بعد از جنگ جهانی دوم به ویژه به دنبال فروپاشی بلوک شرق به سطح ویرانگری رسیده است. براین اساس این شرایط چشم انداز بحران و جنگ و تخاصمات در میان قطبهای عمده سرمایه داری در راستای بازسازی و شکل دادن به نظم جهانی کاپیتالیستی، آینده هولناکی را ترسیم میکند. اکنون ما شاهد تغییرات بنیادی در سیمای اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی جهان سرمایه داری هستیم. تغییراتی که تأثیرات عمیقی بر زیست و مبارزه طبقه کارگر و بر شرایط و ملزومات مبارزه برای

جهان معاصر دستخوش یک تجدید نظر و شیفت اساسی در بنیادهای سیاسی و اقتصادی و ساختاری و فکری خود است. سیطره جهانی کاپیتالیسم بیش از هر دوره ای، بشریت را در همه سطوح زندگی در تنگنا قرار داده است. برخلاف تصور رایج این تغییرات و شرایط دشوار نه صرفاً از کشمکش خطرناک قدرتهای کاپیتالیستی، بلکه مقدم برآن از تضاد عمیق و غیرقابل تصور کار و سرمایه، از کارکرد پایه ای و شدیداً استثمارگرانه سرمایه داری علیه طبقه کارگر و میلیاردها انسان فاقد مالکیت، از رقابت و جدال قطبهای سرمایه داری بر سرسهم بردن بیشتر از انباشت سرمایه حاصل کار طبقه کارگر و مزدبگیران به قیمت تحمیل ناامنی و تباهی و جنگ بر بشریت نشأت گرفته است.

۱- بربریت کاپیتالیسم در زوروق تکنولوژی و هوش مصنوعی

در قرن بیست و یکم، در اوج جهانی شدن سرمایه داری در شرایطی که شاهد بزرگترین تحولات اقتصادی و عظیم ترین جهش های تکنولوژیکی و انفورماتیک و دستیابی به هوش مصنوعی و ارتقاء سرسام آور بارآوری کار و اشباع دنیا از ثروت حاصل کار طبقه کارگر و مزدبگیران هستیم. با اینحال، مسأله بقاء فیزیکی معضل میلیاردها انسان کارکن و فاقد مالکیت از کشورهای فقر زده آفریقا و آسیا و آمریکای جنوبی تا قلب پایتخت های اروپای غربی و آمریکاست. جنگ و تروریسم و مردم کشی در پنج قاره بیداد میکند. عظیم ترین عقبگردهای فکری و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی، از بالا گرفتن مجدد جهالت مذهبی، مردسالاری، ملی گرایی و نژاد پرستی، کودک آزاری، زن ستیزی و مهاجر ستیزی و ناسیونالیسم و راسیسم و فاشیسم تا سقوط حقوق و شأن فرد در جامعه و رها شدن هستی و زندگی میلیون ها مردم از کودک و پیر و جوان به دست بیرحم سرمایه داری و بازار آزاد در جریان است. جنایت سازمان یافته در اغلب کشورها به یک واقعیت پابرجا در زندگی روزمره مردم و حیات اقتصادی و سیاسی کل جامعه تبدیل شده است. اعتیاد به مواد مخدر و قدرت روز افزون شبکه های جنایی تولید و توزیع آنها یک معضل عظیم و لاینحل بین المللی

و نیروی فعاله این نبرد طبقاتی و سیاسی و تحرک تاریخی هستیم. ما به اینجا متعلقیم و تلاش میکنیم با ساقط کردن نظم سرمایه شرایط اسارتبار حاکم را به نفع رهایی انسان تغییر دهیم.

۳- رقابت خطرناک قدرتهای امپریالیستی، نظم تک قطبی یا چند قطبی؟

با فروپاشی بلوک شرق ساختارهای سیاسی و اداری نظم کاپیتالیستی بعد از جنگ جهانی دوم بیش از پیش زیر سؤال رفته است. رقابت فزاینده ابرقدرتهای اقتصادی برسر سهم بری بیشتر از ارزش اضافه به تشدید رقابت و کشمکش جهانی و ژئوپولیتیک قدرتهای امپریالیستی و جنگهای نیابتی و خطر جنگ مستقیم آنها در دنیای بی لنگر کنونی، حیات امروز و آینده بشریت را تهدید میکند. در چند دهه اخیر امپریالیسم آمریکا متکی به متحدان اروپایی و ناتو با تحمیل تروریسم دولتی و جنگ در بالکان و لشکرکشی به عراق و افغانستان و دخالتهای نظامی در قاره آفریقا، نقشه شکل دادن به "نظم نوین جهانی" تحت رهبری یگانه خود بر جهان معاصر را در سر داشت. این نقشه آمریکا با افول اقتصادی و شکست سیاستهای میلیتاریستی و "جنگ پیشگیرانه" ناکام ماند. به علاوه عروج شتابان اقتصادی چین و احیای قدرت طلبی نظامی روسیه معادلات جدال قدرتهای امپریالیستی را به هم زد. براین اساس است که حتی ایدئولوگهای با تجربه تر بورژوازی برخلاف پروپاگاندا بلوک غرب و رسانه های موجب بگیرشان نه از "وجود نظم جهانی" تحت رهبری واحد، بلکه از "بی نظمی جهانی" و بی ثباتی دنیا صحبت میکنند. در بطن این اوضاع بلوک بندیها و ائتلافهای اقتصادی و سیاسی و نظامی و دیپلماتیک پایدار همچون بلوک غرب و ناتو و ائتلاف شانگهای و یا همکاریهای تازه شکل گرفته چون بریکس و همکاریهای منطقه ای کنونی هنوز نه نشانه نظم تعریف شده مورد قبول قدرتهای اصلی سرمایه، بلکه تحرکات دوره گذار کنونی در راستای شکل دادن به نظم کاپیتالیستی در آینده است.

هیئت حاکمه امپریالیستی آمریکا علیرغم ناکامیهای تاکنونی بازم در سودای تحمیل خود به عنوان تنها سرکرده نظم کاپیتالیستی است. در این راستا جنگ در اوکراین و بسیج کردن ناتو پشت سرخود در دفاع از دولت مرتجع و پروناتووی زلنسکی علیه روسیه را به عنوان فرصتی به یاری گرفت. به علاوه عروج تروریسم و جنگ به دنبال هفتم اکتبر ۲۰۲۳ بین حماس و دولت اسرائیل دوباره این فرصت را به دولت آمریکا داد که مثل همیشه و تمام قد در کنار فاشیسم حاکم بر اسرائیل و نسل کشی و ادامه جنگ آن قرار گیرد. باردیگر طرح "خاورمیانه نوین" را از کانال دولت دست راستی نتانیاهو فعال کرده و برای تحقق آن منطقه را به آتش بکشند. در نتیجه

انقلاب کمونیستی برجای خواهند گذاشت. بشریت در دوره گذار خطرناکی بسر میبرد.

۲- جدال کار و سرمایه: قدرت مؤثر طبقه کارگر در شکل دادن به نظم جهانی آتی غیرقابل حذف است

بورژوازی متکی به کل امکانات تحمیلی و تحریف و اختناق و سرکوب به شیوه گمراه کننده و با مهندسی افکار عمومی دو قطبی بنیادی جامعه بشری و لاجرم جدال ریشه دار طبقاتی و اجتماعی و سیاسی دنیای معاصر، جدال فقر و ثروت، جدال دائمی کار و سرمایه را به حاشیه میراند. به این ترتیب عامدانه میخواهند مصائب ریز و درشت تحمیل شده توسط سرمایه داری به طبقه کارگر و بشریت و کشمکش دائمی گاه نهان و گاه آشکار کارگران و استثمارشدگان علیه این دو قطبی موجود و ظالمانه محصول سرمایه داری را پرده پوشی کنند، تا نقش طبقه کارگر و استثمار شوندهگان را در شکل دادن به نظم اجتماعی و اداره آن منکر شوند. تاریخاً این بخش مهمی از تقابل سرمایه داری علیه طبقه ما و تحمیل تناسب قوای نامساعد بر جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر بوده است. به ویژه برای چندین دهه دو قطبی بلوک شرق و غرب کاپیتالیستی بعد از جنگ جهانی دوم تا دهه پایانی قرن بیستم بشدت در خدمت حاشیه ای کردن دو قطبی کار و سرمایه و جدال طبقاتی ناشی از آن در راستای حفظ نظم مصیبت بار سرمایه عمل کرد. سرمایه داری دولتی بلوک شرق و حکومتهای ضد کارگرش در آن چند دهه با ادعای کاذب "سوسیالیسم" به این وارونگی دامن زدند که گویا "منافع طبقه کارگر و محرومان جهان" را نمایندگی میکنند. کمونیسم بورژوازی و خرده بورژوازی قرن بیستم و شاخه های مختلف آن، مبلغ و توجیه کننده این وارونگی بودند. در تقابل با این وارونگی همواره تلاش مارکسیستی بر برجسته کردن حقیقت پایه ای دو قطبی ریشه دار نظم سرمایه داری یعنی دو قطبی کار و سرمایه و کشمکش آنها و تأکید بر دو قطبی فقر اکثریت عظیم جامعه و ثروت افسانه ای اقلیت انگل و بر دو قطبی بربریت و یا کمونیسم بوده است. اکنون در بطن تحولات بزرگ جاری در جهان که دوباره مسئله شکل دادن به آینده تحولات جهانی و نظم برآمده از آن مطرح است، ما به مثابه کمونیسم کارگری تأکید میکنیم به حکم شرایط عینی اجتماعی، جدال دو قطب کار و سرمایه، نبرد استثمارشوندگان علیه استثمارگران، جدال و کشمکش طبقاتی که مهر خود را بر همه شئون زندگی طبقه کارگر و بشریت کوبیده، موتور محرکه تحولات تاریخی و اجتماعی است، و بار دیگر و به شرط سازمانیافتگی و خودآگاهی طبقاتی و سوسیالیستی میتواند نیروی مؤثر در شکل دادن به نظم جهانی آتی و صاحب صلاحیت در اداره جامعه باشد. ما به عنوان طبقه کارگر و کمونیسم کارگری از این واقعیت عظیم اجتماعی نیرو میگیریم

قطبی جهان سرمایه داری" در گرو کشمکش این دو قطب امپریالیستی تأثیرگذار و تعیین کننده در شکل دادن به "نظم نوین جهانی کاپیتالیستی"، و چگونگی رهبری آن خواهد بود.

۵- عروج ترامپ: خطر فاشیسم در جهان

راست افراطی و راسیسم و فاشیسم در چهاردهه اخیر در سطح جهان و مشخصاً در کشورهای غربی گسترش یافته و قدرتمند شده اند. تجارب تاریخی نشان داده است در دوران تشتت و رکود و بحران سیاسی و اقتصادی نظم سرمایه، دست راستی ترین سیاستها و جریانات بورژوازی از جمله جناحهای راست افراطی و فاشیست عصای دست بورژوازی میشوند. بحران اقتصادی ۲۰۰۷ و پیامدهای آن، آشکار شدن بن بست و ناکارآمدی اقتصاد بازار افسار گسیخته در قالب "تاچریسم و ریگانیسم و مانیتاریسم" و آنچه خود به عنوان "نئولیبرالیسم" از آن نام میبرند، چنین روندی را بشدت تسریع بخشید. تحرک راست افراطی و پدیده ترامپ و فاشیسم در این دوران از اینجا نشأت گرفته است. اکنون بازگشت دوباره ترامپ به کاخ سفید و تکیه زدن او به بزرگترین قدرت اقتصادی سیاسی نظامی جهان بی تردید خطر رشد فاشیسم در جهان را بیش از پیش تشدید کرده است. پلاتفرم ترامپ با شعار ناسیونالیستی "اول آمریکا" با اقدامات اعلام شده و تاکنون اجرا شده علیه حقوق اولیه شهروندان، سلب مسئولیت از دولت در قبال سرنوشت و زندگی مردم، تشدید تعرض به امکانات رفاهی و اجتماعی و درمانی مردم، بیکار سازی وسیع، ضدیت جنون آمیز با میلیونها مهاجر و پناهنده و بیرون راندن بیرحمانه آنها، تکیه بر قلدری و زور در مناسبات با جامعه و حتی در معادلات جهانی، حمایت بی اما اگر از فاشیسم حاکم بر اسرائیل و دیگر جریانات راست و فاشیست در سراسر جهان، ارائه طرح غیر متعارف ناسیونالیسم اقتصادی "پروتکشنیسم" و جنگ تعرفه ها و نتایج مخرب آن، دامن زدن به جهالت مذهبی و ناسیونالیستی و پوپولیستی و رایج شدن پروپاگاندا راسیستی مجموعاً تصویری از فاشیسم حاکم در کاخ سفید و از شخص ترامپ به دست میدهد. بی تردید حاکمیت چهارساله فاشیسم متکی به قدرت اقتصادی و سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا تأثیرات مخربی بر جامعه آمریکا و بر جهان خواهد داشت. همانطور که در چهارساله دولت قبلی اش عقبگردهای جدی به جامعه آمریکا و به جامعه جهانی تحمیل کرد. یکی از پیامدهای بشدت نگران کننده و فوری این روند ارتجاعی گسترش و تقویت ترند فاشیستی در جهان و قدرت گرفتن آنها در بعضی کشورهای اروپا و دنیا و تقلای آنها برای شکل دادن به ساختارها و ائتلافهای جدید اقتصادی و سیاسی و نظامی تا مغز استخوان ضد انسان و خطر تقابل حاد با قطبهای رقیبشان به ویژه با چین و در کانونهای بحرانی موجود به قیمت تحمیل رنج و محنت و تباهی به توده مردم است. تجربه

جنگ در اوکراین و اکنون تلاش برای ختم جنگ با نقش محوری دولت ترامپ و به فرجام رساندن طرح ارتجاعی "خاورمیانه نوین" اهمتهای مهمی در دست دولت آمریکا در خدمت "احیای رهبری و نظم تک قطبی" مورد نظرش است. این رؤیای ارتجاعی هیئت حاکمه آمریکا با موانع جدی و از جمله طرح جهان چند قطبی روسیه و شرکاء و با ادعای دولت چین مبنی بر تبدیل شدن به قدرت اول اقتصادی سیاسی حکومتی دنیا در ربع قرن آینده مواجه شده است.

۴- رویارویی آمریکا و چین: جدال بر سر رهبری نظم کاپیتالیستی

بحران محوری در نظم سرمایه داری معاصر، بحران هژمونی و رهبری است. براین اساس کشمکش ها و رقابت اقتصادی سیاسی قدرتهای اصلی سرمایه داری و در رأس آنها آمریکا و چین جهان را به مسیر یک شیفت بزرگ و یک زلزله سیاسی زیر و رو کننده سوق میدهد. سالها است سیر نزول موقعیت اقتصادی سیاسی و هژمونیک امپریالیسم آمریکا و متحدان غربی اش غیر قابل انکار است. در مقابل روند عروج اقتصادی سیاسی چین به قصد تصرف موقعیت اول در اقتصاد و سیاست جهانی قابل مشاهده است. دولت چین به اصطلاح "کمونیست" اما عمیقاً استثمارگر کاپیتالیستی متکی به نیروی وسیع کار ارزان در داخل چین و در آفریقا و آسیا و صدور سرمایه و نیروی کار در کشورهای مختلف جهان، براساس "طرح کمربند و جاده" پلاتفرم تبدیل شدن به قدرت اول جهان تا سال ۲۰۴۹ مقطع صدمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین را اعلام کرده است. به این ترتیب در کشمکش قدرتهای جهانی "ابررویاری" حکومتهای آمریکا و چین در ربع قرن آینده فاکتور تعیین کننده آرایش بعدی جهان کاپیتالیستی و چگونگی رهبری آن است. واضح است، رقابت شدید اقتصادی و سیاسی کنونی، جنگ تجاری و تعرفه ها و برسر تکنولوژی هوش مصنوعی بین آمریکا و چین در این سطح باقی نماند. هر دو طرف و به ویژه دولت چین هر چند از جنگ بزرگ و یا کوچک و نیابتی زودرس با دولت آمریکا و متحدانش پرهیز داشته باشد، چنانکه طبق "پلاتفرم کمربند و جاده" ادعای تبدیل شدن به قدرت اقتصادی اول دنیا را بخواهد متحقق کند، ناگزیر تقابل حاد هیئت حاکمه امپریالیستی آمریکا و متحدانش را برای سد کردن بلند پروازیهای جهانی اش به هر وسیله ای و از جمله جنگ در مقابل خود دارد. بی دلیل نیست دولت چین مداوماً زرادخانه نظامی و اتمی اش را تقویت میکند. چون گریزی از رویارویی نظامی در ابعاد محدود و یا بزرگ با آمریکا و شرکایش ندارند. مسئله "تایوان" میتواند تنها یکی از بهانه ها به مثابه چاشنی انفجار جنگی بزرگ و ویرانگر میان ارتش چین و متحدانش با ارتش آمریکا و ناتو با همه مصائب آن باشد. آینده کشمکش و جنگ احتمالی بر سر "نظم تک قطبی و یا چند

همزمان قدرت اتحادیه های کارگری در این کشورها بشدت کاهش یافته و داعیه های "رفرمیستی" را کنار گذاشتند. واقعیت اینست "رفرمیسم جناح چپ بورژوازی" به دوران قبل از فروپاشی سوسیالیسم بورژوایی بلوک شرق و بن بست سوسیال دمکراسی در بلوک غرب مربوط است. چندین دهه است با هجوم بی پروای جناح راست سرمایه داری، جناح چپ همان سیستم صحنه را واگذار کرده و برای حفظ ظاهر به عنوان سوپاپ اطمینان سیستم در حاشیه جریان راست جست و خیز دارد. آنچه تاریخاً و به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم به نام جناح چپ بورژوازی و جنبشها وعمدتاً احزاب "سوسیال دمکرات" و با الگوی "دولتهای رفاه" مقبولیت یافتند، مدتها است به طرف راست مرکز شیفت کردند. حتی جناح های باصلاح چپ تر در اروپا و آمریکا با داعیه تقابل با سیاستهای ریاضت اقتصادی یکی بعد از دیگری تسلیم شدند و به حاشیه رفتند. شکست این ترند جاده صاف کن رشد و گسترش راست افراطی در این دوره بودند. لذا نگاه به "توهمات رفرمیستی" و عرض اندام مجدد جناح "چپ بورژوازی و سوسیال دمکراتیک" سرابی بیش نیست.

۷- خاورمیانه "نوین"، خاورمیانه خونین

اوج گیری تروریسم و جنگ بعد از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ در اسرائیل و فلسطین و به دنبال آن نسل کشی حکومت فاشیستی اسرائیل در غزه نمادی از آشفتگی و توحش در جهان امروز بود. در صد ساله اخیر خاورمیانه همواره یکی از کانونهای بحرانی تشدید استثمار و ستم و اشغالگری و جنگ و کشتار به ویژه علیه مردم فلسطین بوده است. این شرایط دردناک در خاورمیانه خود محصول دو پدیده زشت ضد انسانی است. الف: ستم و اشغالگری و نسل کشی علیه مردم فلسطین و ب: شکاف عمیق فقر و ثروت در منطقه، از یک سو محرومیت اکثریت عظیم مردم این منطقه از ابتدایی ترین حقوق معیشتی، اجتماعی و سیاسی و از سوی دیگر، انباشته شدن ثروتهای افسانه ای در دست اقلیت مرتجع حاکمان مستبد و دولتهای فاسد. اینها هردو محصول سیطره سرمایه داری و دخالتها و رقابتهای قدرتهای امپریالیستی در این منطقه است. نسل کشی مردم فلسطین و سرباز زدن از برسمیت شناسی حقوق اولیه این مردم در قالب تشکیل دولت مستقل فلسطینی حتی طبق قرارداد "اسلوی منعقد شده در سال ۱۹۹۳ میلادی" بین طرفین، اکنون پلاتفرم عملی هیئت حاکمه فاشیست اسرائیل است. برستر این کشمکش دیرینه و لاینحل ماندن حقوق حقه مردم فلسطین، در مقابل تروریسم دولتی اسرائیل - آمریکا، تروریسم اسلامی همانند حماس و جهاد در

تلخ تاریخی به ما میگوید، فاشیسم به هر نسبت و با هر مدت زمانی که در حکومت باشد، همانند فاشیسم هیتلری قدرت تخریب گری اقتصادی و انسانی و اجتماعی و انسانی بالایی دارد، اما در همان حال فاشیسم قابل شکست دادن و ضربه پذیر است.

دوره ویرانگری فاشیستی میتواند گذرا باشد چون کل استراتژی و پروژه های ترامپ و دیگر فاشیستها بعد از دوره ای تحرک و ویرانگری تضاد و تناقضات عمیقی با روند پیشرفت اجتماعی و سیاسی و فکری در جامعه دارد. در شرایط جهانی شدن مناسبات تولیدی و اجتماعی و تکنولوژیک و نیاز بشر به همگرایی، شقه شقه کردن صفوف مردم با رجعت به ناسیونالیسم افراطی و جهالت مذهبی و راسیسم و فاشیسم نمیتواند عمر زیادی داشته باشد. به لحاظ اقتصادی جنگ تعرفه ها و "پروتکشنیسم" ترامپی در عصر حاکمیت شرکتهای چند ملیتی و بازار جهانی آینده ای ندارد. مشکل دیگر ترامپ و فاشیسم عروج کرده، این است که هنوز بیشتر نیروهای فاشیست در اروپا و جهان قدرت دولتی را در دست ندارند و به این معنا هنوز ائتلاف حکومتی هم پیمان قوی برای پیشبرد کل پروژه هایشان شکل نگرفته است، هرچند در این مسیر تقلا میکنند. به علاوه حتی در همان بلوک غرب ترند فاشیسم با مخالفین ریشه دار بورژوایی در قدرت و یا بیرون قدرت روبرو است. شکنندگی و ضربه پذیری فاشیسم مشخص است. مسئله اینست قدرت اجتماعی و نیروی فعاله ای میخواهد که فاشیسم عروج کرده را به مصاف بطلبد و شکستش دهد. در این مصاف در وهله اول طبقه کارگر و مردم حق طلب در آمریکا و در اروپای غربی نقش کلیدی دارند. در عین حال رسالت بشریت مترقی و طبقه کارگر و سوسیالیستها و کمونیستهای انترناسیونالیست است با حضور فعال در این مصاف شکست فاشیسم این دوران را به فرجام قطعی برسانیم.

۶ - سترونی "چپ بورژوازی و رفرمیسم آن" در اقتصاد و سیاست جهان

پایای عروج راست افراطی و فاشیسم، شاهد شکست و سترونی جناح چپ بورژوازی در اقتصاد و سیاست جهانی هستیم. در اروپای غربی و آمریکای شمالی سوسیال دموکراسی و جناح چپ بورژوازی از دهه هشتاد قرن قبلی تاکنون با از سرگذراندن بحران ایدئولوژیک و برنامه ای، با تجدید نظر اساسی در مبانی نگرش و روش سیاسی و اقتصادی خویش، چرخش ساختاری و بنیادی به راست را از سرگذرانده است. نفوذ سنتی خود را در میان طبقه کارگر از دست داده و

ثباتی و طرح‌های سناریوی سیاهی و رژیم چنجی را گسترش می‌دهند. این چشم انداز خونین خاورمیانه برای مردم منطقه و تبعات تکان دهنده آن در چهارچوب بربریت کاپیتالیستی دوره معاصر خواهد بود.

اما طرح ارتجاعی خاورمیانه جدید، مورد نظر آمریکا-اسرائیل با تناقضات و موانع جدی روبرو است، همانطور که در چهاردهه گذشته همین موانع نگذاشته طرح‌های امپریالیستی به سهولت به سرانجام برسند. پاشنه آشیل نقشه ارتجاعی "خاورمیانه جدید" امپریالیستی در این حقیقت نهفته است تا زمانی که اولاً مسئله فلسطین و مبارزات حق طلبانه این مردم پاسخ کارساز و عادلانه از جمله با تشکیل دولت مستقل فلسطین نگیرد و ثانیاً فقر شدید و استبداد خشن حکومت‌های مرتجع عمده‌تاً هم پیمان آمریکا و تروریسم دولتی ادامه پیدا کند، این منطقه کماکان بحرانی و طرح‌های ارتجاعی به بن بست میرسند. نکته قابل توجه دیگر اینست، شکست و عقب نشینی "محور مقاومت اسلامی" در فلسطین و منطقه نه تنها شکست مردم نیست، بلکه راه باز میکند جنبش حق طلبانه در فلسطین و در کل منطقه با روشن بینی خود را سازمان دهد، به میدان آید و متکی به پلاتفرم آزادیخواهانه و اراده طبقه کارگر و سوسیالیست‌ها و سکولاریست‌های منطقه طرح‌های ارتجاعی از جمله طرح خاورمیانه خونین و ضد انسانی آمریکا-اسرائیل را ناکام سازد.

در بطن تحولات کنونی خاورمیانه بار دیگر و بیش از گذشته مسئله کرد برجستگی پیدا کرده است. نزدیک به صد سال است مردم کردستان در چهار بخش تحت ستم شدید و تبعیض دولتهای شوونیست و استبدادی قرار دارند. موقعیت جنبش ملی کرد در کشورهای ایران و سوریه و ترکیه و عراق یکی نیست. استراتژی و سیاستهای متفاوت بر روند تحرک سیاسی در هر یک از بخشهای کردستان ناظر است. در همین رابطه علاوه بر سرکوبگری خشن دولتهای سرکوبگر منطقه، ناظر بودن سیاستهای ارتجاعی و ناکارای ناسیونالیسم کرد و احزاب اصلی آن بر مبارزه حق طلبانه علیه ستم ملی به نوبه خود مانع مهمی در دستیابی این مردم به حقوق اولیه خود بوده است. در تحولات کنونی خاورمیانه باردیگر احزاب و جریان‌های اصلی ناسیونالیسم در صدد همراهی و هماهنگی با "خاورمیانه جدید" می‌خواهند سرنوشت مردم کردستان و مبارزات حق طلبانه آنها را به همراهی با دولتهای مرتجع در منطقه و نقشه های ضد انسانی آمریکا-اسرائیل گره بزنند. این مسئله بیش از پیش به مبارزه حق طلبانه مردم کردستان برای رفع ستم ملی و همسرنوشتی آنها با امر آزادی در منطقه لطمه میزند. مقابله با چنین روند ارتجاعی وظیفه جنبش رادیکال و سوسیالیستی متکی به راه حل کارساز و آزادیخواهانه برای پایان دادن به رفع

فلسطین میداندار شدند. اقدامات تروریستی آنها با حمایت جمهوری اسلامی نه تنها قدمی در مسیر حل مسئله فلسطین نبوده، بلکه در ضدیت با منافع مردم رنج کشیده فلسطین و عملاً بن بست بیشتری را به حل مسئله فلسطین تحمیل کرده است. با دست بالا پیدا کردن راست افراطی مذهبی - قومی اسرائیل در دوره شارون و سپس نتانیاهو و همزمان میداندار شدن گروه‌های تروریستی در غزه (حماس و جهاد اسلامی) پروسه اجرایی کردن قرارداد "اسلو" و تشکیل دولت فلسطینی عملاً نقش بر آب شد. این وضعیت به تداوم اشغالگری و کشتار و بن بست طولانی برسر مسئله فلسطین تبدیل شد. در بطن این شرایط نامساعد رویداد هفتم اکتبر ۲۰۲۳ اتفاق افتاد.

فاشیسم حاکم بر اسرائیل و دولت نتانیاهوی متکی به حمایت آمریکا به مثابه غنیمت اهدایی حرکت تروریستی هفتم اکتبر حماس- جهاد را قاپیدند. آنها به دنبال بهانه ای بودند، تا نقشه های از قبل طراحی شده ارتش اسرائیل برای پاکسازی قومی و نسل کشی در غزه و علیه مردم فلسطین را اجرا کنند. همراهی بی اما و اگر دولت آمریکا و هم پیمانان ناتویی اش از دولت و ارتش اسرائیل در نسل کشی مردم غزه، تحمیل جنگ و تروریسم چندین ماهه در لبنان و منطقه و علیه حماس و حزب الله و "محور مقاومت اسلامی"، در عین حال گامی تعیین کننده در راستای شکل دادن به نقشه جنایتکارانه "خاورمیانه نوین" در واقع خاورمیانه خونین برای مردم این منطقه است.

با شکست ائتلاف ارتجاعی "محور مقاومت اسلامی" به وضوح قطب ارتجاعی تروریسم اسرائیل- آمریکا دست بالا پیدا کرده و قصد تکمیل کردن نقشه جنایتکارانه خاورمیانه خونین را نهایتاً با به تمکین کشاندن و یا حذف جمهوری اسلامی و نیابتی های هنوز رام نشده اش را در سر دارند. اکنون با سرکارآمدن ترامپ فاشیست دولت و ارتش اسرائیل با دست بازتر و با حمایت گسترده تر و محکمتر برای به سرانجام رساندن نقشه خاورمیانه خونین امپریالیستی حرکت میکنند. تحمیل قدر قدرتی بلامناع امپریالیسم آمریکا با فعال مایشایی دولت فاشیست اسرائیل و نقش "ژاندارمی" آن در منطقه و به خط شدن حکومت‌های فاسد منطقه پشت سر سیاستهای آمریکا اجزای "خاورمیانه جدید" امپریالیستی در ضدیت کامل با منافع و اراده اکثریت عظیم مردم خاورمیانه است. تهدیدات ترامپ راسیست برای بیرون راندن نزدیک به دو میلیون مردم از غزه و تصاحب این منطقه توسط دولت آمریکا پرده تکان دهنده و سوپر ارتجاعی دیگر در این راستا است. اکنون صورت مسئله حقوق مردم فلسطین و تشکیل دولت مستقل فلسطین در این دوره با موانع بسیار روبرو شده است. نه تنها حاکمیت فلسطینی ها بر غزه بلکه بر کرانه باختری در شکل "خودمختاری محدود" فعلی نیز با مخاطره روبرو است. در کل منطقه خاورمیانه نیز نامنی و بی

باشد؟! قضیه برعکس است. اکنون در دنیای واحدهای غول آسای تولیدی، شرکت‌های چند ملیتی، دنیایی که در آن پروسه تولید یک کالای واحد هزاران کارخانه و بنگاه و در ابعاد میلیاردی کارگر را در قاره های مختلف به یکدیگر مرتبط میکند. رشد سریع تکنیک، انقلاب الکترونیک و انفورماتیک در دهه های اخیر، گسترش بیسابقه کاربست روبات ها و سیستم‌های کامپیوتریزه در تولید و توزیع ابعاد وسیعی به خود گرفته است. مبرمیت انقلاب کارگری صدها بار بیشتر از گذشته نیاز زمانه است. واقعیت اینست درصد کمی پرولتاریا، کارگر مزدبگیر و سلب شدگان از هر نوع مالکیت، در سوخت و ساز تولیدی و تولید مدرن نه تنها کاهش نیافته، بلکه پرولتر بودن به شیوه زندگی انسانها در ابعاد میلیاردی در سراسر جهان تبدیل شده است. نه تنها در کشورهای صنعتی پیشرفته و اروپایی و غرب بلکه در تمام کشورهای موسوم به تحت سلطه پیدایش طبقه کارگر وسیع در چند دهه اخیر بافت اقتصادی و معادلات سیاسی سنتی در جامعه را متحول کرده است. بحرانهای سیاسی و تلاطمات و خیزشهای اعتراضی و انقلابی توده ای، اعتصابات گسترده کارگری چند دهه اخیر در اروپا و آمریکا و خیزشهای بزرگ توده ای در کشورهای عربی و خاورمیانه و آفریقا و آمریکای جنوبی اساساً تلاطمهای ناشی از تقلاي مداوم برای تطبیق روبنای سیاسی سنتی این جوامع با پیدایش طبقه کارگر عظیمی است که خواسته ها و انتظارات خود را با صراحت و قدرت روزافزون اعلام میکند.

۹- تحولات بزرگ دنیا و ملزومات شکل دادن به آلترناتیو سوسیالیسم کارگری

واقعیت اینست که هیچ زمان چون امروز تناقض موجود میان نیاز جامعه به تحول کمونیستی و آمادگی شرایط تولیدی برای ساختمان جامعه مبتنی بر مالکیت اشتراکی با غیبت مطلق نیروی سیاسی سازمانیافته برای ایجاد این تحول، این چنین چشمگیر و برجسته نبوده است. محوری ترین محدودیت تاکنونی خلأ رهبری کمونیستی و آلترناتیوسوسیالیستی در رأس تحولات سیاسی، خیزشهای اعتراضی و اعتصابات کارگری و توده ای با نقش محوری طبقه کارگر در کشورهای مختلف است. یک علت اینست سوسیالیسم کارگری بعد از چهاردهه از فروپاشی "سوسیالیسم بورژوایی" هنوز از زیر بار تبعات منفی این رویداد کمر راست نکرده است. جنبشهای اعتصابی اعتراضی قوی در میان پرولتاریای کشورهای بزرگ صنعتی دنیا هنوز به افق و پلاتفرم کمونیستی و تحزب سوسیالیستی روشن بین و دخالتگر خود مجهز نشده است. طبعاً در غیاب سیاست سوسیالیستی، سیاستهای غیرسوسیالیستی و بورژوایی متکی به تفرقه ملی و مذهبی و جنسیتی و صنفی و شغلی صفوف طبقه کارگر و جنبشهای اعتراضی ضد سرمایه را شقه شقه کرده است. افق و سیاست انترناسیونالیستی و همبستگی

ستم ملی و دیگر تبعیضات اجتماعی است. تجربه حضور موثر ما کمونیستها و جنبش سوسیالیستی در جامعه کردستان ایران در دوره بعد از انقلاب ۵۷ تأکیدی بر این واقعیت است. در هر حال مسئله کرد به یک گره گاه سیاسی مهم در زندگی مردم کردستان، در روند تحولات سیاسی در منطقه و در هریک از بخشهای کردستان تبدیل شده است. این مسئله باید به شیوه ای اصولی و عادلانه پاسخ بگیرد. مراجعه به آرای مستقیم مردم برای تعیین سرنوشت خود و مردود اعلام کردن طرحهای مختلف از بالای سرمردم قدم اول راه حل کارساز مسئله کرد است.

۸- جهان معاصر و مبرمیت انقلاب کارگری

دنیای معاصر و ساکنین آن به شدت تحت فشار و ستم نظم ضد انسانی سرمایه داری است. پایان دادن به این وضعیت به نقش و حضور آگاهانه و سازمانیافته جنبش سوسیالیستی کارگری، به سازماندهی انقلاب کارگری برای درهم کوبیدن نظم وارونه کاپیتالیستی و سد کردن بربریت این نظام گره خورده است. راه سومی نیست. تنها آلترناتیو و گورکن این نظام وارونه و مصائب آن آلترناتیو کمونیستی و کارگری است. با بن بست و سترونی چپ بورژوا فرمیست هیچ آلترناتیو بینابینی برای تعدیل و بهبودی در کارکرد سرمایه وجود ندارد. سوسیالیسم کارگری با تکیه بر ظرفیتهای و تواناییهای فی الحال موجود طبقه کارگر و مزدبگیران و ستم دیدگان متفرد از نظم سرمایه و همزمان با فایق آمدن بر دشواریها و موانع و محدودیتهای موجود در جنبش سوسیالیستی کارگری میتواند ورق را برگرداند. میتواند نظم موجود را تغییر دهد و اراده و اختیار به انسان را برگرداند. با تأکید بر این حکم واقعی خیلی ها که حتی دورانی خود را "چپ و سوسیالیست" نامیده اند، ما کمونیستها را به "ذهنی گری" و یا "ولونتاریسم" متهم میکنند. یادآور میشوند، مگر نمی بینید "وزنه کمی پرولتاریا" در کل جمعیت کاهش یافته است، نمی بینید "اتحادیه های کارگری به حاشیه رانده شده، احزاب کمونیستی در صحنه نیستند، سوسیالیسم شکست خورده"، بزم اینها که ذهنیت و نگرششان را فراز و فرود "سوسیالیسم و فرمیسم بورژوازی" شکل داده، لاجرم صحبت کردن از نقش دگرگون کننده سوسیالیسم کارگری و سازماندهی انقلاب کارگری موضوعیت ندارد.

در مقابل جنبش کمونیسم کارگری میگوید باور نکردنی است که جدال بنیادی میان پرولتاریا و بورژوازی و تقابل کار و سرمایه در آغاز نظم سرمایه و در کاپیتالیسم قرن نوزدهم در معدود کشورهای اروپایی کاربست داشته باشد، اما در جهان کنونی که در آن سلطه سرمایه به دورافتاده ترین نقاط دنیا در هر پنج قاره گسترش یافته موضوعیت خود را از دست داده

غیر دولتی و نسل کشی و پافشاری بر این واقعیت که طبقه کارگر نباید به نیروی ذخیره جنگ بورژوازی تبدیل شود.

ت - ایجاد و یا تقویت حزب کمونیستی طبقه کارگر برای پیشبرد جدال طبقاتی بی وقفه و سازماندهی انقلاب کارگری در هر جایی که هنوز طبقه کارگر فاقد حزب پرولتری کمونیستی خود است. به علاوه تأکید بر عمل مستقیم کارگری و سازمانیابی حرکت شورایی به عنوان ظرف مبارزاتی و ارگان اعمال اراده قدرت کارگری.

ث - قرار گرفتن در متن و در صف اول مقاومت در برابر تعرض بین المللی بورژوازی به آرمانهای برحق انسانی و دستاوردهای اجتماعی تاکنونی، به میدان کشیدن یک صف بین المللی سوسیالیستی کارگری در جهان پرتلاطم امروز و تلاش برای پیروز کردن سوسیالیسم، تلاش برای شکل دادن به انترناسیونالیسم کارگری و کمونیستی همیشه ضروری بوده و اکنون و در عصر سلطه سرمایه بر جهان مبرمیت بیشتری دارد.

ج - نهایتاً گردآوری نیروی طبقه کارگر خودآگاه، متحد و سازمانیافته به منظور سازماندهی انقلاب کارگری و تحقق آزادی و برابری و حکومت کارگری مصادف فوری کمونیستها و یگانه راه رهایی بشریت از فجایع نظم سرمایه است.

۱۰- ما بر نقش مهم تحول سوسیالیستی در ایران و تأثیرات جهانی منطقه ای آن واقفیم. به میدان آمدن آلترناتیو سوسیالیستی در همه جا و همزمان و در بطن همه تلاطمات جاری اتفاق نمی افتد. یک روند پراتیکی سازمانیافته و هدفمند را در شرایط مشخص و در جغرافیای معین با محوریت طبقه کارگر آگاه و رهبری روشن بین و سوسیالیست آن میطلبد. همانطور که نمونه تاریخی آن در تجربه درخشان انقلاب کارگری ۱۹۱۷ روسیه اتفاق افتاد. از این زاویه تحول سوسیالیستی در جامعه ایران و نقش چنین تحولی در جدال قطب کارگر و کمونیسم علیه سرمایه داری نه تنها در خود ایران بلکه در سطح خاورمیانه و جهان اهمیت بالایی دارد. همگان میدانند جامعه ایران آستن تحولات سرنوشت ساز و تعیین کننده است. جمهوری اسلامی با بحرانهای مرکب و بن بستهای بی پاسخ روبرو است. این رژیم رفتنی است. در یک دهه اخیر فوران خشم مردم تشنه آزادی علیه فقر، گرانی و فساد گسترده در خیزش سراسری دیماه ۹۶ و عروج مجدد جنبش عظیم سرنگونی در آبانماه ۹۸، در خیزش انقلابی چندین ماهه سال ۱۴۰۱ و در اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای خود را نشان

طبقاتی جهانی را به حاشیه رانده است. به ویژه بورژوازی هار و راسیست این دوره با اشاعه وسیع و افراطی ناسیونالیسم و خرافه ملی و منافع ملی، طبقه کارگر و مردم ستمدیده را به نیروی ذخیره طرح و برنامه ها و جنگ و کشمکش و رقابتهای خود با رقیبان سرمایه تبدیل کرده است. زمینه های عینی، اجتماعی و طبقاتی قد علم کردن آلترناتیو سوسیالیستی بیش از هر زمانی فراهم است. به میدان کشیدن چنین آلترناتیوی نجات دهنده نیروی فعاله و سازمانده و هدایتگر مناسب خود را میخواهد. تحزب کمونیستی کارگری متکی به ظرفیتهای نظری، انتقادی مارکسیستی، متکی به رهبری و کادرهای روشن بین، عجین شده با جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی رادیکال، سازمانگر و هدایتگر را میطلبد. در این راستا و در این دوره حساس برای تامین ملزومات عروج آلترناتیو سوسیالیسم کارگری بر تلاش کمونیستی پیگیر در عرصه های زیر تأکید میکنیم:

الف: بیش از پیش دوره سازماندهی و احیای تعرض مارکسیستی به کل پایه ها و بنیادها و ایدئولوژی و افکار حاکم بر جامعه سرمایه داری است. برخلاف تمامی نقدهای نیم بند چپ، نقد و تعرض کمونیستی و مارکسیستی نمیتواند و نباید به خصلتهای روبنایی و مقطعی و تاکتیکی نظم سرمایه محدود شود. نقد و تعرض کمونیستی ما دست به ریشه میبرد، لغو کار مزدی و امحای استثمار و خلع ید سیاسی و اقتصادی کامل سرمایه را در دستور کار دارد.

ب - سازماندهی نبرد بی امان علیه ملی گرایی و هویت ملی و ناسیونالیسم که در این دوران یک بار دیگر زیر لوای "منافع و مصلحت ملی" نه تنها جنگهای ویرانگر راه اندازی میشود، بلکه شنیع ترین نوع تعصبات و تعرض به حقوق اولیه انسان و نژاد پرستی و راسیسم و فاشیسم را در صفوف طبقه کارگر و مردم حق طلب رسوخ میدهند. یک شرط اساسی رهایی طبقه کارگر و بشریت از انقیاد کاپیتالیسم به حاشیه راندن طوق هویت ملی و ملی گرایی دست ساز ناسیونالیسم و برملا کردن محتوای طبقاتی خرافه "منافع ملی" به مثابه منافع طبقه حاکمه بورژوازی که ریاکارانه در زورق "منافع عموم" به جامعه تحمیل میکنند.

پ - پیشبرد سیاست کارگری و کمونیستی علیه جنگهای ضد کارگری و ضد مردمی مستقیم و یا نیابتی جاری قدرتهای امپریالیستی و دولتهای سرمایه داری، علیه تروریسم دولتی و

متن اولیه سند پیشنهادی به کنگره یازدهم حزب

حکمتیست

جامعه ایران در آستانه تحولات مهم: جهت

گیری و اولویتهای حزب حکمتیست

جامعه ایران در آستانه تحولات بزرگ و سرنوشت ساز است. جنبش های چپ و راست با آلترناتیو سیاسی طبقاتی خود برای تثبیت جهتگیری سیاسی و کوبیدن مهر خود بر این تحولات در تکاپویند. براین اساس، جنبش طبقه کارگر و صف متمایز کمونیستی کارگری هم میتواند و باید مهر خود را بر این وضعیت بکوبد. ما میخواهیم تحولات مهم و تعیین کننده جاری مسیر یک تحول انقلابی را در پیش بگیرد. این امر تماماً به نقش عنصر فعاله کمونیسم طبقه کارگر و حزب کمونیستی دخالتگر و مدعی قدرت سیاسی گره خورده است.

برای ایفای این نقش، حزب حکمتیست بر ظرفیتهای و تواناییهای مهمی از دستاورهای سیاسی و سازمانی و پراتیکی چهار دهه اخیر مارکسیسم انقلابی و کمونیسم کارگری تکیه دارد. درعین حال با چشمان باز کمبودها و نارساییهای سیاسی و سازمانی و سبک کاری موجود را می بیند و خلاقانه برای فایق آمدن بر محدودیتهای موجود تلاش میکند. در این راستا کنگره یازدهم حزب بر جهت گیری و اولویتهای زیر تأکید اساسی دارد.

۱- **تامین حضور فعال در ابعاد مختلف مبارزات طبقه کارگر:**
الف- ظاهر شدن حزب به عنوان مرجع صاحب نظر در برخورد به معضلات واقعی زندگی و مبارزه کارگری. فوکوس محوری بر مسائل گرهی اتحاد و سازمانیابی پرولتاریای صنعتی ایران.
ب- تعقیب گام به گام و فعال مبارزات اقتصادی و سیاسی بخشهای مختلف کارگری. جمع بندی و بررسی آنها و بیرون کشیدن درسها و تجارب آن و انتقال آن به میان کارگران. فوکوس بر خواسته های اساسی کارگری در هر دوره.
ج- در عرصه سازمانیابی توده ای کارگران تمرکز ویژه بر دامن زدن به جنبش مجامع عمومی و سازماندهی شورایی، مصوبه پایه ای حزب ما "شورا، مجمع عمومی، سندیکا" مبنای هویتی کار سازماندهی توده ای ما در میان کارگران است. در این راستا بدست دادن سیمای سازمان شورائی جامعه، ساختمان شوراها در مراکز کار و محلات و شهرها، ارائه شوراها بمنابه قدرت مستقیم توده ای و آلترناتیو پارلمانتاریسم و اعمال قدرت بورژوازی از بالای سر مردم. به علاوه از اشکال دیگر سازمانیابی توده ای امثال اتحادیه و سندیکا و ... که با اتکا به نیروی کارگران و مستقل از دولت ایجاد میشوند، حمایت

داده است. پتانسیل این جنبشها با قصد سرنوشتی جمهوری اسلامی موجب تغییر جدی توازن قوا به نفع ادامه مبارزه کارگران و مردم عاصی از جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری است. واقعیت مهم اینست، جنبش طبقه کارگر نیروی فعاله و سازنده تحولات مبارزاتی جامعه ایران است. اکنون بیش از هر دوره ای در تاریخ سیاسی ایران، امید و نگاهها به نقش رهایی بخش طبقه کارگر و جنبش کارگری برای نجات جامعه از مصائب فاجعه بار حاکمیت کاپیتالیستی و جمهوری اسلامی دوخته شده است. مردم جان به لب رسیده جامعه ایران در نبردی بی امان برای سرنوشتی جمهوری اسلامی و تحقق آینده ای به دور از ستم و رنج و ناهنجاریهای کنونی، به آلترناتیوی متضمن آزادی و برابری و رفاه چشم دوخته اند. این باور که طبقه کارگر و آلترناتیو کارگری ظرفیت و توانایی ساختن آینده ای به دور از حاکمیت سرمایه و استثمار و تبعیض و نابرابری و تحقق سعادت و رفاه همگانی برای شهروندان را دارد، بیش از پیش توجه جنبشهای اعتراضی رادیکال و محرومان جامعه را به خود جلب کرده است. این نقطه عطف مهمی در مسیر تامین رهبری طبقه کارگر بر جنبش سرنوشتی جمهوری اسلامی و تعیین تکلیف قدرت سیاسی به نفع آزادی و برابری و حکومت کارگری و رهایی قطعی کل جامعه از مشقات نظم وارونه سرمایه داری و جمهوری اسلامی است. لذا با توجه به موقعیت ژئوپولیتیک جامعه ایران در معادلات جهانی به عنوان یکی از کشورهای مهم سرمایه داری در خاورمیانه، تحول رادیکال و سوسیالیستی و قدرتگیری آلترناتیو کارگری و شورایی در ایران تأثیرات جهانی و منطقه ای مهمی را بدنبال خواهد داشت. توازن قوا را به نفع جنبش طبقه کارگر و صف آزادیخواهی و برابری طلبی علیه بربریت سرمایه در منطقه و جهان تغییر میدهد. حمایت و سمپاتی افکار عمومی مبارزات حق طلبانه در جهان و منطقه را به خود جلب میکند. نقش مهمی در شکل دادن به آلترناتیو آزادیخواهانه و برابری طلبانه فراکشوری ایفا میکند. شرایط واقعی پایه گذاشتن همبستگی مبارزاتی گسترده و ایجاد انترناسیونالیسم کارگری را علیه بربریت کاپیتالیسم فراهم میکند. در دوره سرنوشت ساز کنونی طبقه کارگر و کمونیسم جامعه ایران با رسالت مهمی روبرو است.

پیشنهاد دهنده: رحمان حسین زاده

مارس ۲۰۲۵

شرکت و کمک به شکل گیری سازمانهای توده ای زنان و شرکت در آنها در ظرفیت فراکسیون کمونیستی. اختصاص نیرو و فعال کردن ظرفیتهای رهبری و کادرهای سرشناس و با تجربه حزب در این عرصه.

۴- احیای موقعیت جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در دانشگاهها و درمیان نسل جوان

تلاش جدی برای سازماندهی جذب نسل جوان به صفوف حزب. تسهیل قرار گرفتن نسل جوان در موقعیتهای کلیدی کار حزب. کمک به سازماندهی جوانان در تشکل توده ای موثر در دانشگاهها و محیطهای آموزشی.

۵- خارج کشور:

نماینده‌گی کردن صدای اعتراض طبقه کارگر و اعتراض رادیکال جامعه ایران در خارج کشور. حضور موثر و مبتکرانه در آکسیونهای اعتراضی و کمپینهای مبارزاتی رادیکال در خارج کشور. گسترش سازمان حزب و عضو گیری از میان علاقمندان. استاندارد کردن و ارتقاء فعالیت سازمان حزب اعم از کمیته ها و مجمع اعضا در خارج کشور. تأکید بر موازین حزبی و تقویت حزب و حزبیت.

حمایت فعال از مبارزات کارگران جهان و تلاش برای ایجاد روابط موثر با بخشهای مختلف طبقه کارگر جهانی.

۶- طرد و ایزوله کردن جنبش بورژوازی و راست:

مبارزه بی امان علیه همه پرچمها و نیروهای بورژوازی اعم از ناسیونالیسم پرور، ملی مذهبیها، جریانات سناریو سیاهی و ناسیونالیست محلی، فدرالیستها، و جنبش بورژوا ناسیونالیستی کرد. مقابله سراسر با سناریوی سیاه دخالت آمریکا و غرب برای ایران و پروژه های رژیم چنجی و سیاست ضد انسانی همگامی جنبش راست و چپ بورژوازی با آن. ادامه تقابل آشکار و بی ابهام با سیاستهای ارتجاعی جنبش راست در دفاع از سیاست ضد انسانی تحریم اقتصادی و فضا سازی جنگی و تهدیدات نظامی.

۷- برخی اقدامات و پروژههای سیاسی و عملی:

متحقق کردن خط مشی و اولویتهای بالا در گرو پراتیک رهبری و مشخصاً پیگیری اقدامات و پروژه های پایین است.

در راستای تأمین رهبری رادیکال و کمونیستی در تحولات انقلابی:

الف - توده ای کردن معنای سرنگونی انقلابی تقویت آلترناتیو کارگری شورایی در جنبش سرنگونی و در بطن مبارزات کارگری و توده ای. در همین جهت تلاش برای عملی کردن جدی بیانیه سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی مصوب کنفرانس استکهلم نیروهای چپ و ادامه فعالیت مؤثر در شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست سراسری.

ب - در بطن مبارزات جاری و با در نظر گرفتن تناسب قوا تدقیق شعارهای تاکتیکی و متحدکننده در هر دوره. در شرایط حاضر به طور مشخص توده ای کردن شعارهای علیه فقر و تبعیض، علیه اعدام، آزادی زندانیان سیاسی و تأکید بر

میکنیم و در رشته های پراکنده کارگری خود مبتکر سازماندهی آن خواهیم بود.

د - بخش عمده ای از طبقه کارگر ایران بیکار است. با اندک تغییرتناسب قوا سازمانیابی این بخش مهم طبقه ما ضرورت عاجل پیدا میکند. متشکل کردن بیکاران امر مشترک کارگران شاغل و بیکار است. در این جهت بر سازماندهی و تقویت جنبش اتحاد کارگری علیه بیکاری تأکید میکنیم.

- ترسیم تمایز و نقد شفاف گرایشات رفرمیستی و غیر سوسیالیستی در میان کارگران وظیفه مستمر گرایش کمونیستی طبقه کارگر و حزب ما است.

۲- حزب در کردستان:

موقعیت کمونیسم و حزب ما در کردستان یک اهرم قدرت بزرگ این حزب است. در نقشه ای هدفمند این موقعیت را باید فعالتر کرد.

الف - انرژی و توان رهبران و شخصیتهای اجتماعی این حزب در کردستان و نسل جوان کمونیستهای موجود این بخش حزب مبتکرانه و فعالتر باید بکار بیفتد. تشکیلات کردستان حزب متکی به سند پایه ای مصوب خود باید جوابگوی همه وجوه مبارزه طبقاتی اعم از مبارزه اقتصادی و سیاسی و نظامی در جامعه کردستان باشد.

ب - تشکیلات کردستان باید مبتکر تنگ کردن عرصه بر جمهوری اسلامی در کردستان و الهام بخش اعتراضات رادیکال و حق طلبانه کارگران و مردم باشد. کنترل محلات و خارج کردن نقشه مند محلات مختلف در شهرها از دایره اعمال قوانین و کنترل جمهوری اسلامی از اقدامات مهم در این رابطه است.

ج - به حاشیه راندن افق و سیاست و موقعیت جنبش و احزاب ناسیونالیستی در کردستان. خنثی کردن نقشه ها و بند و بستهای سیاسی ضد مردمی احزاب ناسیونالیست.

د - به دست گرفتن فعال پلاتفرم حزب برای رفع ستم ملی و حل مسئله ملی.

ه - سروسامان دادن به پتانسیل نظامی حزب به عنوان بخش مهم و لاینفک قدرت نظامی توده ای به عنوان اهرم قدرتمند دفاع از خود مردم در مقابل خطر سرکوبگری نظامی دولتهای مرکزی و یا اعمال فشار جریانات مسلح ناسیونالیست و مذهبی مافوق مردم. تشویق و ترغیب جوانان به ایجاد واحدهای گارد آزادی.

و - تقویت و ادامه همکاری مؤثر تشکیلات کردستان حزب در شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست کردستان و با کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران.

۳- تأمین حضور موثر در جنبش آزادی زن:

توده ای کردن معنای پیروزی جنبش آزادی زن در ایران. همکاری با نیروهایی که در این امر ذینفعند. ایجاد سازمان و شاخه زنان حزب بر اساس پلاتفرم و اهداف این جنبش.

محرومان بود، برآمد آبان ۹۸ از محرومترین لایه های کارگران و مناطق و محلات کارگری شکل گرفت، برآمد توده ای ۱۴۰۱ که زنان نقش خودویژه در آن داشتند، مَهر سیاستهای انقلابی و اعتراضات کارگری را برای رفع تبعیض و خواست برابری بر خود داشت. سرکوب این جنبشها نیز اساسا از فرزندان کارگران قربانی گرفت و کارگران از اولین اعدامی های آن بودند.

حدود ۴۸۰۰ اعتراض و اعتصاب کارگری زمینه ساز خیزش ۱۴۰۱ بود. در متن خیزش این آمار بدلیل شرایط سرکوب تقریبا نصف شد اما در سال ۱۴۰۲ به حدود ۴۰۰۰ اعتراض و اعتصاب رسید. در سال ۱۴۰۳ دامنه اعتراض و اعتصاب هفتگی و سراسری گسترش یافت و به کلیدی ترین صنایع ایران رسید. زمینه خیزش های توده ای را مبارزات بخشهای مختلف طبقه کارگر در مراکز بزرگ و متوسط صنعتی، فرهنگیان، پرستاران و کادر درمان، کارگران پیمانی و رسمی صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، جنبش آزادی زن، بازنشستگان، دانشجویان آزادیخواه از تبعیض و ستم فراهم کرده است.

سرکوب خونین برآمد توده ای ۱۴۰۱، رکوردشکنی در اعدام، بازداشت دهها هزار معترض، سیاست تشدید فقر و هجوم به سرفه خالی کارگران، دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و ارزان سازی مستمر نیروی کار، خصوصی سازی ها و بالاکشیدن صندوق های بیمه و اندوخته های کارگران، سرکوب خشن اعتراضات کارگری و شلیک به صف اعتراض کارگران، نتوانسته است جنبش کارگری را از تعرض و اعتراض باز دارد. کمتر کشوری در جهان هست که اعتصاب کارگری مانند ایران جریان داشته باشد. این در شرایطی است که سرکوب لحام گسیخته، ممنوعیت احزاب سیاسی و سازمانهای کارگری، حق شهروندان برای تشکل و ابزار وجود سیاسی ممنوع است و هر تلاش آزاداندیشانه برای بهبود و تغییر با سد دستگاه سرکوب و نهادهای امنیتی روبرو میشود.

این جنگ با افت و خیز مواجه است اما زنده و جاری است و هرآینه از گوشه دیگری بروز میکند. جامعه ایران در کشمشی بیوقفه برسر بهبود شرایط غیر قابل تحمل زندگی و تغییر اوضاع موجود است. سرنگونی نظم حاکم به مسئله محوری و بستر اصلی سیاست ایران بدل شده است. اینبار برآمد توده ای میتواند بمراتب کارگری تر و رادیکال تر باشد. میتواند به یک انقلاب زیر و رو کننده اجتماعی، به یک انقلاب کارگری و سوسیالیستی، به حرکتی برای آزادی جامعه بدل شود. امروز جنگ برای سرنگونی رژیم اسلامی و درهم کوبیدن حاکمیت چهل و تبعیض سرمایه، بر ایفای نقش تاریخساز طبقه کارگر و کوبیدن مَهرش بر تحولات ایران تاکید میکند. همه بر نقش و

شعارتاکتیکی و بسیج کننده آزادی، برابری، رفاه همگانی بسیار ضروری است. به علاوه ما همواره برای توده گیر کردن شعار پایه ای، آزادی، برابری، حکومت کارگری و شعار جمهوری سوسیالیستی به عنوان حکومتی که باید با سرنگونی جمهوری اسلامی برقرار شود، تلاش میکنیم.

ج- تلاش جدی برای تقویت و شکل دادن به شبکه رهبری سوسیالیستی در رأس جنبش کارگری و جنبش توده ای و هدایت کننده تحولات انقلابی در جامعه.

د- تأمین حضور فعال رهبری و شخصیتها و اتوریته های اجتماعی و سیاسی و نسل جوان حزب ما در بطن مبارزه دایمی جنبش طبقاتی.

ه- ارتقاء کارایی رسانه های حزب به ویژه تلویزیون، شبکه های اجتماعی و دیگر امکانات اتصال و اتکای حزب به جامعه.

و- تقویت سازمانیابی کمونیستی و بنیاد گذاشتن پایه های حزب در درون جنبش طبقه کارگر، منسجم کردن، متشکل و متحزب کردن گرایش کمونیستی درون طبقه کارگر. اتکا به محافل رهبران عملی کارگری و اجتماعی و تقویت شبکه محافل رهبران عملی در محیط کار و زیست برای گسترش مبارزه و بنیاد نهادن پایه های حزب.

ز- آموزش مارکسیسم در صفوف حزب و به طور ویژه آموزش و بازخوانی مبانی پایه ای کمونیسم کارگری. شکل دادن به یک شالوده کادری قوی مارکسیست و مجرب در حزب.

ح- مالی: گسترش امکانسازی مالی، تدوین ابتکارات جدید، سروسامان دادن به سازمان مالی و اختصاص نیروی بیشتر به این عرصه.

پیشنهاد دهندگان: اسماعیل ویسی - رحمان حسین زاده

پیام کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به جنبش کارگری ایران

طبقه کارگر برای آزادی باید قدرت سیاسی را بکف آورد

این حقیقت که جنبش کارگری ایران یکی از تاثیرگذارترین و پر تحرک ترین جنبشهای اجتماعی جامعه ایران است، یک آگاهی عمومی است. این حقیقت که مبارزات جنبش کارگری ایران موتور محرکه و شکل دهنده به خواستهای عادلانه و آزادیخواهانه در کلیت حرکتهای اعتراضی جامعه است، یک فاکت است. برآمدهای توده ای در یک دهه گذشته، نه فقط یک نتیجه اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگری بوده است بلکه خود وجهی از اعتراض طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی بوده اند. برآمد توده ای دیماه ۹۶ اساسا اعتراض

کارگران کمونیست و پیشرو، محافل رهبران عملی مبارزات کارگری!

هزاران اعتصاب و اعتراض و تغییر فضای سیاسی در ایران محصول تلاش سازمانگرا و درایت سیاسی شماسست. دوره حاضر باید دوره عروج و عرض اندام شما بعنوان رهبران سراسری مبارزه اجتماعی و طبقاتی باشد. تقویت و انسجام شبکه های کنونی در هر کارخانه و رشته معین تا ایجاد اتحادهای وسیع تر فرافابریکی، امر و تخصص شماسست. مبارزات توده ای محرومان و زحمتکشان علیه فقر و فلاکت و تبعیض و زن ستیزی، تنها میتواند با هدایت سیاسی و دخالت آگاهانه پیشروان طبقه کارگر و رهبری حزب کمونیستی طبقه کارگر دورنمای پیروزی داشته باشد. دخالت مبتکرانه شما هم ضامن پیروزی جنبش توده ای برای سرنگونی است و هم برای رفع استبداد و استثمار و نفی هر نوع ستم و تبعیض، به یک رهبری سراسری و عملی در جدال جاری شکل میدهد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بخشی لاینفک از مبارزه جاری کارگران برای بهبود و تغییر و حزبی برای واژگونی نظم سرمایه داری بعنوان مسبب مشقات کنونی است. فراخوان ما اینست که متحزب شوید، با تکیه به شبکه محافل کارگری و رهبران عملی و واقعی کارگران، پایه های یک جنبش شورائی - کارگری قدرتمند را ایجاد کنید و به کمتر از کسب تمام قدرت و ایجاد یک حکومت کارگری رضایت ندهید. طبقه ای که هر روز جامعه را روی دوش کار و تولید خویش بازتولید میکند، خود نیز میتواند آنرا اداره کند. برای کنترل مراکز کار و کارخانه ها آمده شوید. باید هر خلاء قدرت را با قدرت کارگری پر کرد و این قدرت را پایه قدرت سراسری در حکومت انقلابی و کارگری قرار داد.

رفقای کارگر، پرستاران و کادر درمان، معلمان و فرهنگیان، بازنشستگان، رهبران عملی و اجتماعی کارگری و مبارزات توده ای، مردم رنج دیده و منکوب شده تحت حاکمیت سرمایه، زنان و مردان آزادیخواه و ضد تبعیض، این حزب شماسست! نبض این حزب با جنبش طبقه کارگر و امر آزادی جامعه میزند و قوت و ضعف آن تابع افت و خیز این جنبش است. ما در این جنگ و نبرد طبقاتی علیه کلیت بورژوازی مرتجع در یک سنگریم. طبقه کارگر برای آزادی باید قدرت سیاسی را بدست گیرد. کارگران برای آزادی ناچارند کل جامعه را از قید ستم و استثمار و تبعیض آزاد کنند. کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به مبارزات درخشان و تلاش قهرمانانه شما درود میفرستد. برای یک پیروزی کارگری و سوسیالیستی، برای کسب قدرت سیاسی و برپائی حکومت کارگری آماده شویم!

پیشنهاد دهنده: سیاوش دانشور - مارس ۲۰۲۵

جایگاه طبقه کارگر در تحولات جاری واقفند و همه منتظر "غول خفته" طبقه کارگرند تا کمر ارتجاع سرمایه را بکشند و بر زمین بکوبد.

رفقای کارگر، همزمان!

اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگری، خواست افزایش دستمزد و تامین دستمزد مکفی و مقابله با فقر و فلاکت عنان گسیخته، اعتراض به تبعیض و گرانی، همصدائی گسترده برای حق سلامتی و آموزش و بهداشت، مبارزه علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی، ایران را به جامعه اعتراضات پیشرو و آزادیخواهانه بدل کرده است. تغییر تناسب قوای سیاسی، به همان درجه که تاکنون ممکن شده است، حاصل مبارزات کارگری و جانفشانی هزاران محفل و شبکه رهبران عملی کارگری و فعالان سیاسی - اجتماعی است. سراسری شدن اعتراضات کارگری در شکل رشته ای و متعاقب آن ایجاد هم جہتی و همزمانی وسیع تر بخشهای مختلف جنبش کارگری و مردم معترض در خواستها و شعارها، پیشروی شایانی است که تاکنون بدست آمده است. اعتصابات و اعتراضات شکوهمند بخشهای مختلف جنبش کارگری، اگرچه با هزینه زیادی برای پیشروان این مبارزات تمام شده است، اما به سهم خود شرایطی را برای دخالت گسترده و انقلابی طبقه کارگر فراهم کرده است که ابتکار عمل سیاسی را در دست بگیرد و امر سرنگونی حکومت اسلامی را به نفی تمامیت نظم سرمایه ارتقا دهد.

سوال اصلی برای طبقه کارگر ایران در جامعه ملتهب کنونی تنها تحقق خواسته های بلافصل نیست بلکه فتح سنگرهای جدید و از نظر سیاسی در راس جنبش عمومی قرار گرفتن برای آزادی و برابری و رفاه همگانی است. تحقق کامل همین خواسته های بلافصل نیز به ابراز وجود قویتر طبقه کارگر در مقیاس جامعه گره خورده است. در ایندوران سرنوشت ساز کارگران بیش از هر زمان به تشکل و تحزب، به راه حل طبقاتی بمثابة آلترناتیو حکومتی نیاز دارند. در دوره حاضر جنبش کارگری توانسته است با اتکا به مجمع عمومی و عمل مستقیم توده کارگران، خلاء ممنوعیت تشکلهای توده ای کارگری را بدرجه ای جبران کند و به نیازهای مبارزه کارگری جواب دهد. ضروری و مبرم است که این مسیر آگاهانه دنبال شود. گسترش مجمع عمومی، شکل دادن به یک جنبش مجمع عمومی بعنوان ستون فقرات و پایه جنبش شورائی کارگری، نیاز بلافصل امروز و ایجاد پایگاه های قدرت کارگران است. کارگران در مبارزه جاری و در کشمکش برسر قدرت سیاسی به حزب سیاسی خود نیاز دارند. حزبی که نماینده دخالت مستقل طبقه کارگر در تحولات جاری با پرچم سوسیالیستی است.

پیام کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به جنبش آزادی زن

برای سرنگونی نظام آپارتاید جنسی، بسوی یک برابری سوسیالیستی!

ضدیت با هر قانون منعبت از مذهب، ضدیت با آپارتاید جنسی و سَمبل آن حجاب، مدرنیسم و رادیکالیسم در فرم اعتراض، آنرا از جنبشهای معاصر حقوق زن متمایز میکند. این جنبش علیه فرهنگ و اخلاقیات مردسالار است، علیه هر نوع ستم و تبعیض است اما در جستجوی "هویت دیگر" و تقدیس هویت‌های قسمتی و کاذب نیست. حقوق برابر می‌خواهد و خواهان یک برابری همه جانبه و رهائیبخش است. جنبش آزادی زن در ایران با حجاب سوزان و نفی هر آنچه که ضد زن است، دست اندر کار ساختن تاریخ نوینی در ایران است و پیرویش تاثیرات ماندگاری در کشورهای اسلام زده و تقویت روندهای سکولار برجای می‌گذارد.

آزادی بطور کلی و آزادی زن بطور اخص، امری جنسیتی نیست. آزادی زن بطریق اولی تنها امر زنان نیست، امری اقتصادی و اجتماعی است. سوال برسر برابری زن و مرد بمثابة انسان است. هدف تحقق برابری کامل و بی‌قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی است. تلاش برای الغای کلیه قوانین ضد زن و نفی نظامی است که در ستمکشی زن ذینفع است. تلاش برای تامین امنیت و حقوق زن در جامعه و در خانواده، نفی خشونت در تمام سطوح و ارتقای فرد و جامعه است. سوال برسر پیروزی همه جانبه در جنگی دیرین است که امروز به مرحله تعیین کننده رسیده است. مسئله زن یکی از محوری ترین مسائل اجتماعی جامعه ایران است که امر برابری و رفع تبعیض هدف عمومی آن و نفی حجاب اسلامی و نظام آپارتاید جنسی هدف بلافصل آنست. جنبش آزادی زن با این مشخصات از همان ابتدا جنبشی علیه حاکمیت ضد زن رژیم اسلامی و امروز بیش از هر زمان جنبشی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و رفع تبعیض براساس جنسیت است. ما بر این امر قویا پای می فشاریم که برای نفی قطعی حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی باید جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم و برای تحقق برابری زن و مرد در تمام شئون زندگی اجتماعی، باید نابرابری بنیادی در نظام سرمایه داری را ریشه کن کنیم. در ایران رهائی سوسیالیستی زن به رهائی سوسیالیستی جامعه گره خورده است و به این اعتبار جنبش رهائی زن یک رکن مهم جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است.

امروز با عزم راسخ اعلام میکنیم؛ حجاب اسلامی نمی‌خواهیم! دست آخوند و اسلام و فرهنگ پوسیده مردسالار و سرمایه از سر زنان کوتاه! زن ستیزی و زن کشی دون شأن بشریت است و باید بمثابة سنگین ترین جرائم تلقی شود! امنیت و حرمت و آزادی زن باید فوراً تامین و تضمین شود! مدتهاست که موقعیت واقعی و اجتماعی زن در جامعه در تناقضی عمیق با موقعیت برده وار قانونی آن قرار دارد. ما زنان و مردان انقلابی

کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به شما زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب درود می‌فرستد. بیش از چهار دهه است که رژیم ضد زن اسلامی و منادیان از گوربرخاسته اش علیه ابتدائی ترین حقوق ما تعرض میکند. تهاجم به زنان و تلاش برای عقب راندن جامعه از همان روزهای اول انقلاب ۵۷ با فرمان تحمیل حجاب از جانب خمینی مرتجع آغاز شد. اما پاسخ را در تظاهرات بزرگ روز زن در ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ با شعار؛ "ما انقلاب نکردیم که به عقب برگردیم" و "حقوق زن نه شرقی است، نه غربی، جهانی است" دادیم. استقرار رژیم آپارتاید روی دوش سرکوب خونین زنان برای تحمیل حجاب اسلامی، اخراج و پاکسازی، بازداشت و اعدام هزاران زن انقلابی میسر شد. سرکوب زنان گوشه ای از سرکوب خونین این انقلاب بود. اما آن اعتراض به جنبش آزادی زن شکل داد، این جنبش در مقاطع مختلف قدم به قدم رژیم اسلامی را عقب راند و در خیزش زنانه ۱۴۰۱ به جهانیان نشان داد که زنان و جامعه ایران حکومت اسلامی نمی‌خواهند. ما دستجمعی حجاب برداشتیم و این سَمبل تحقیر و فرودستی زن را به آتش کشیدیم. رژیم زن کش با قتل مهساها، ساریناها، نیکاها، آیلارها، و دیگر زنان و مردان انقلابی موقتاً از خطر جُست اما نتوانست دستاوردهای ما را پس بگیرد. نتوانست عزم ما را برای آزادی و برابری و نفی آپارتاید جنسی به عقب براند.

این گوشه ای از قدرت ما بود که در روزهای داغ خیزش انقلابی آخوندها جرأت حضور در خیابان و انظار عمومی را نداشتند، اما روی دوش سرکوب مجدداً در شیپور تحمیل حجاب دمیدند، جنایتکارترین عناصرشان مانند رادان ها را علیه زنان بمیدان آوردند، اما لایحه "حجاب و عفاف"شان را به بایگانی سپردند. حکومت مستأصل اسلامی از وحشت زنان و برآمد مجدد جامعه عقب رفت و امروز علیرغم زن آزاری موسمی خیابانی، حجاب دوفاکتو لغو شده است. اما این تنها دستاورد ما نبود، فرهنگ برابری در جامعه گسترش یافت، نسلی از زنان و مردان شورشی بمیدان آمدند، جهانیان دریافتند که خیزش انقلابی زنانه در ایران از پتانسیل قوی برای تغییرات بنیادی برخوردار است. کاراکتر اجتماعی این جنبش، از جمله برابری طلبی و انسانگرایی عمیق، آنتی اسلامیسیم و

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای آزادی و برابری بیقید و شرط زن و مرد مبارزه میکند و بخشی لاینفک از این مبارزه پرشور میلیونی است. در این نبرد دورانساز برای بزیر کشیدن حاکمیت آپارتاید جنسی، برای نفی نابرابری و کلیه قوانین ضد زن، حزب حکمتیست همسنگر شماس است. کنگره یازدهم حزب اعلام میکند که آینده از آن شماس است. بار دیگر ضمن ارج نهادن به تسلیم ناپذیری و جسارت شما زنان و مردان آزادیخواه، از فعالین سوسیالیست و پیشروان جنبش آزادی زن دعوت می‌کنیم برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد و برابر به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست پیوندید!

پیشنهاد دهندگان: پروین کابلی، ملکه عزتی، هلاله طاهری، سیاوش دانشور
مارس ۲۰۲۵

بمیدان آمدیم تا بساط تحقیر و بردگی و جهالت را برچینیم. اما باید کار ناتمام را تمام کنیم. باید در اشکال مختلف متشکل شویم. ضروری و مبرم است که زنان سوسیالیست و پیشرو باید در شبکه های کمونیستی متشکل شوند. این لایه از زنان پیشرو و انقلابی ضامن پیروزی این جنبش با یک پرچم چپ اند. باید معنای پیروزی از نظر ما روشن باشد و به افق سراسری جنبش بدل شود. نباید اجازه دهیم جنبشهای دست راستی از اعتراض زنان به نفع بازسازی وضع موجود و احیای فرودستی زن در اشکال نوینی بهره جویند. برای ایجاد سازمانهای توده ای زنان با اتکا به شبکه های مبارزاتی مان نقشه مند گام برداریم. تصور یک جامعه آزاد بدون آزادی زنان ممکن نیست. هیچ تحول انقلابی بدون حضور قدرتمند زنان بفرجام نمیرسد.

کنگره ۱۱ حزب حکمتیست به صورت مستقیم از طریق میدیاهای اجتماعی حزب، پخش می شود.



@partowtv



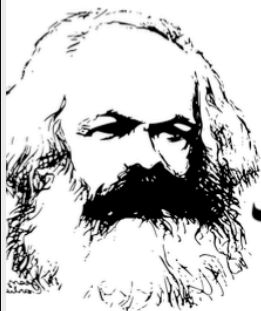
@Thepartow tv



@partowtv



@partowtv



کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست



۶-۷ فروردین ۱۴۰۴

11th congress of Worker-communist party of Iran-Hekmatist

29-30 March 2025



پیام کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران -**حکمتیست به زندانیان سیاسی****زندان؛ دژ ارتجاع و قتل عمد دولتی، سنگر
مقاومت و "نه به اعدام"!**

است. اعتراض و اعتصاب مانند آتش زبانه می کشد. روزی که جنبش انقلابی درب زندانها را بشکند و زندانیان را با قدرت خویش آزاد کند نزدیک است. روز برپائی دادگاه های عادلانه و علنی برای محاکمه جنایتکاران نزدیک است. روز اعلام پیروزی بر ارتجاع اسلامی سرمایه و لغو اعدام و شکنجه نزدیک است. شما زندانیان و مبارزین از سازندگان این حقیقت تاریخی هستید.

کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست به شما عزیزان و مبارزین صفوف آزادی و برابری درود میفرستد. قلب ما با شماست، دست شما عزیزان را میفشاریم و بزودی همراه هم جشن شکوهمند آزادی را برپا میکنیم.

کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست به تمام زندانیان سیاسی؛ به فعالان جنبش طبقه کارگر برای رفاه و آزادی، به مبارزین رفع تبعیض و نابرابری، به زنان جسور ضد آپارتاید و تبعیض جنسیتی، به آسرای برآمدهای توده ای و انقلابی که در شکنجه گاه ها و زندانهای جمهوری اسلامی اسیرند، صمیمانه درود می فرستد.

کلیه زندانیان سیاسی بی قید و بی وثیقه آزاد باید گردند!

**مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

مارس ۲۰۲۵

پیشنهاد دهنده: سیاوش دانشور

آنچه ما کمونیست ها و جنبشهای پیشرو طی سالهای طولانی گفته ایم و برآن پای فشرده ایم، امروز حقایق مسلم و آگاهی عمومی است. این واقعیت که جمهوری اسلامی وصله ناجور به جامعه ایران است و علیرغم استبداد خشن و سرکوب عریان هیچوقت نتوانست جامعه ایران را اسلامیزه کند. این حقیقت که حکومت اسلامی نه خواست مردم بلکه ضد انقلابی بود که برای به شکست کشاندن انقلاب و مواجهه با تغییر انقلابی به جامعه ایران تحمیل شد. این حقیقت که مردم آزادیخواه ایران مانند اکثریت مردم در کره خاکی یک زندگی بهتر میخواهند و در نبردی دائمی با نظام فقر و فلاکت و تبعیض و اختناق اند.

اطلاعیه**پخش مستقیم کنگره یازدهم حزب کمونیست
کارگری ایران - حکمتیست**

باطلاع میرسانیم که کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست روزهای شنبه و یکشنبه ۲۹ و ۳۰ مارس ۲۰۲۵ برابر با ۹ و ۱۰ فروردین ماه ۱۴۰۴ بطور علنی برگزار میشود. شما میتوانید کنگره حزب را از طریق میدیای اجتماعی ما دنبال کنید. کنگره حزب بطور مستقیم از حسابهای کاربری تلویزیون پرتو و همچنین اکاونت های حزب حکمتیست در فیسبوک، یوتیوب، توئیتر و اینستاگرام پخش خواهد شد.

کمیته برگزار کننده کنگره دهم حزب کمونیست
کارگری ایران - حکمتیست
۲۷ مارس ۲۰۲۵

زندان دژ ارتجاع سیاسی و مرکز ثقل قدرت نظامهای استبدادی است. در جامعه سرمایه داری، اگر زرق و برق توخالی مجالس و پارلمان و قوانین را کنار بزنید، به زندانها و قوه قهریه و ماشین سرکوب بمثابه ارکان اساسی نظم استثمارگر سرمایه داری میرسید. امروز این دژ ارتجاع و دستگاه اجرای قتل عمد دولتی، به سنگر مبارزه و اعتراض به سرکوب و "نه به اعدام" بدل شده است. زندان در طول تاریخ حکومتهای استبدادی همواره یک عرصه مبارزه و مقاومت بوده است، اما در کمتر جای جهان با چنین پدیده منحصر بفردی روبرو بوده ایم. این یک نتیجه تمایلات و روندهای ریشه دار در یک جامعه خواهان تغییر است. ورق برگشته است و ماشین خونین شکنجه و اعدام دیگر نمیتواند عزم قدرتمند ما برای آزادی را بزانو درآورد. گذشت زمانی که دندان خونین سرکوب مردم را ماتم زده کند. این مردم آزادی میخواهند، زندگی میخواهند، آینده میخواهند، برابری میخواهند، علیه تبعیض و سرکوب و استبداد و استثمارند. جامعه ایران سراسر صحنه نخواستن

قرار پیشنهادی به کنگره ۱۱ حزب کمونست کارگری ایران -**حکمتیست****قرار در حمایت از اعتراضات دانشجویی برای تقویت****سازماندهی دانشجویان رادیکال و سوسیالیست**

مبارزات و اعتراضات دانشجویی در دهه های گذشته، علیرغم سرکوبها و تحمیل عقب نشینی ها، یک سیر پیشرو را داشته است. در دانشگاه های ایران با وجود تناسب قوای نامساعد، اعتراضات دانشجویی عمدتاً از انتقاد چپ و کمونیستی به وضع موجود الهام گرفته است. بعد از گذشت دو دهه از سرکوب خونین دانشجویان در "انقلاب فرهنگی"، اعلام وجود دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب (داب) در دهه ۸۰ در برابر جمهوری اسلامی و جناحهای لیبرال و اصلاح طلب، شاهد عروج گسترده اعتراضات رادیکال دانشجویی با تمایلات سوسیالیستی در دهه ۹۰ در چارچوب شوراهای دانشجویی بودیم. از اعتراضات سالهای ۹۶ و ۹۷ و مخصوصاً در جریان خیزش آبان ۹۸ شاهد کنار گذاشتن ادبیات محافظه کارانه و صراحت بخشیدن به ادبیات سیاسی چپگرایانه و انقلابی و سرنگونی طلبانه بودیم. نقطه عطف مبارزات دانشجویی در چهار دهه گذشته را میتوان در نقش ویژه دانشجویان در خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ در بیش از ۱۰۰ دانشگاه در سراسر کشور با سازماندهی نیروهای چپ و سوسیالیست و مقابله با نیروهای سرکوبگر و امنیتی در سطح دانشگاه ها و خیابانهای کشور با قرار گرفتن زنان در نقش رهبری بخشی از این اعتراضات، حجاب سوزان، الغای عملی آپارتاید و تفکیک جنسیتی در دانشگاهها و مرزبندی با جریانات بورژوازی بخصوص اپوزیسیون سلطنت طلب دانست.

دانشگاه ها یک کانون داغ مبارزه سیاسی و مقابله با ارتجاع فکری و فرهنگی حاکم است. تجارب تاکتونی و پتانسیل مبارزات دانشجویی، بر نیاز ارتقای سازمان و تشکل و جهتگیری سوسیالیستی در فضای کنونی ایران تاکید میکند. مبارزه علیه سرکوب و اختناق، علیه پولی سازی آموزش، علیه آپارتاید جنسی، علیه نابرابری و فقر و بنیان این اوضاع، نیازمند کار جدی و حمایت همه جانبه از اعتراضات رادیکال و سوسیالیستی در دانشگاه ها است. حزب حکمتیست حمایت از اعتراضات دانشجویان را یکی از محورهای مبارزات خود در پروسه مبارزه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی میداند و برای پیشروی و تحقق خواستههای این بخش از جامعه به طرق ممکن تلاش میکند.

پیشنهاد دهنده: امیر عسگری

قرار در مورد تغییر نام حزب با حذف پسوند حکمتیست از اسم**حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست**

بحث و تبادل نظر پیرامون تغییر و حذف پسوند (حکمتیست) از نام حزب از آخرین پلنوم قبل از کنگره دهم (کنگره قبلی) در سال ۲۰۲۲ مطرح بوده است. از نظر ما با توجه به تحولات سیاسی مهم در جامعه و شرایط جدید فعالیت و با تأکید بر برجسته کردن عنوان کمونیسم کارگری به عنوان خصلت و سیمای حزب در نام حزب و با توجه به ظرفیت بیشتر پذیرش عنوان کمونیسم کارگری در صفوف جنبش کارگری و کمونیستی و آزادیخواهانه، به منظور ادامه سازنده بحث حول این موضوع و به نتیجه رساندن آن در پرپود زمانی مشخص کنگره یازدهم از کمیته مرکزی منتخب خود میخواهد اقدامات زیر را در دستور بگذارد.

۱- در فاصله زمانی ۶ تا ۹ ماهه بعد از کنگره با سازماندهی چند سمینار سیاسی در سطح حزب زوایای مختلف این موضوع با توجه به حساسیت آن مورد بحث و تبادل نظر و نهایتاً تصمیم گیری قرار گیرد.

۲- بعد از طی کردن مباحث سازنده، برای تصمیم گیری نهایی در مورد این مسئله کنفرانس ویژه ای متشکل از اعضای اصلی و علی البدل کمیته مرکزی، اعضای کمیته های حزبی و همه کادرها برگزار شود. این کنفرانس با نصف به اضافه یک حاضرین خود تصمیم میگیرد. تصمیم کنفرانس هر چه باشد به اطلاع عموم میرسد. در صورت رأی موافق به حذف پسوند "حکمتیست" و تغییر نام حزب، کمیته مرکزی در فاصله زمانی یکماهه بعد از آن با انجام اقدامات سیاسی و تشکیلاتی لازم تصمیم کنفرانس را اجرا و رو به جامعه اعلام میکند.

پیشنهاد دهندگان؛

۱- سردار قادری

۲- حمه خضری

۳- مختار محمدی

۴- جلیل رضایی

۵- محمود محمودزاده (سیسری)